

الْبَيُوح

تغیّرات اقلیمی عصر ظهور



صادق شکاری



فهرست:

مقدمه	۶
گرمای زمین و تغیرات اقلیمی	۸
۱- ارتباط خشک‌سالی شدید با گرم شدن زمین	۱۱
۲- ارتباط طوفان و گردُ خاک با گرم شدن زمین	۱۹
۳- ارتباط بارش های شدید با گرم شدن زمین	۲۶
نتیجه بحث	۳۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، الْاُئِمَّةِ وَ الْمَهْدِيِّينَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا

تقديم به:

ثامن الحجج مكيده الملحدین

ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع)

آنکه از کاشانه اش رانده شد و در دیار غربت آواره شد

و آن فرزند پاک و طاهرش که جدش علی مرتضی درمورد او گفت:

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيْدُ الطَّرِيْدُ الْفَرِيْدُ الْوَحِيْدُ».

قسم به خدا که شما همان زنجیره زرّین از دژ و حصار الهی هستید که هر کس در آن داخل

شود از عذاب ایمن گردد، و هر کس از آن سرباز زند هلاک گردد.

مقدمه

بزرگان دین و آئین ما، از آخرالزمان برای مردم سخن بسیار گفته‌اند و بیشتر احوال آن زمان را گوشزد کرده‌اند، یکی از این پیش‌بینی‌ها که اکنون به حقیقت پیوسته، همان است که امام رضا (ع) درباره قبل از قیام قائم (ع) بیان فرمودند: «**قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ بَيُوحٌ**»؛ (قبل از این امر، گرمای شدید همه‌جا را فرا می‌گیرد).^۱

• احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: شنیدم امام رضا(ع) می‌فرمود:

«**سَمِعْتُ الرَّضَا ع يَقُولُ قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ بَيُوحٌ فَلَمْ أَذِرْ مَا الْبَيُوحُ فَحَجَجْتُ فَسَمِعْتُ أَعْرَابِيًّا يَقُولُ هَذَا يَوْمَ بَيُوحٍ فَقُلْتُ لَهُ مَا الْبَيُوحُ فَقَالَ الشَّدِيدُ الْخَرُّ**».

«پیش از این امر (بیوح) خواهد بود، من نفهمیدم بیوح چیست؟ بعدا که به حج رفتم شنیدم عربی بادیه‌نشین گوید: امروز روزی بیوح است، به او گفتم بیوح چیست؟ گفت: گرمای زیاد».^۲

در حدیث فوق، موضوعی بسیار مهم وجود دارد، و آن اینکه حضرت گرما را برای مکانی خاص مشخص نفرمود، و این به آن معناست که همه‌جای زمین را گرمای شدید فرا خواهد گرفت. اتفاقی که در عصر ما بوقوع پیوسته، و بصورت کاملاً ملموسی قابل مشاهده است.

چند سالی است که رسانه‌ها بطور مرتب و پی‌درپی، از گرم‌تر شدن زمین سخن می‌گویند، و همواره کارشناسان در این باره چیزهای تازه، و علل مختلفی بیان می‌کنند. گرمای شدید در حال افزایش و طولانی شدن مدت آن نیز، همواره بیشتر می‌شود، حقیقت گرما برای مردم دنیا در همه‌جا بخوبی احساس می‌شود، و کارشناسان از تأثیرات مخرب آن بر اکوسیستم بهم پیوسته زمین هشدار می‌دهند.

آنچه که مهم است و ذهن هر شیفته و خردمندی را جلب می‌کند، همین عبارت امام رضا (ع) است که بیش از هزار سال پیش فرمودند: «**قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ بَيُوحٌ**». آن شنونده که این گفتار را شنید، بخوبی متوجه معنا و مفهوم آن نشد، ولی این ما هستیم که بهتر از آن شنونده، معانی واقعی کلام آن حضرت را درک می‌کنیم؛ چون اکنون ما هستیم که این گرما را حس می‌کنیم و جنجال و بحث مفصل آن را بطور مرتب در رسانه‌ها می‌شنویم و از حقیقت آن گفتار و این گرما آگاه هستیم.

^۱ بیوح، از ماه باحِ بَیُوح و مصدر آن بُوَح است، به معنی آشکار شدن، و بجهت، نشان دادن شدت این آشکار شدن آن را بر وزن فعلیل بیان کرده‌اند و و بجهت تلفظ راحت‌تر بویح را به بیوح تغیر دادند. و کلام مرد اعرابی نیز که این معنی را بیان می‌کند خود گواهیست بر این مطلب: الْبَيُوحُ اِی الشَّدِيدُ الْخَرُّ.

^۲ الغیة للنعمانی ؛ النص ؛ ص ۲۷۱ باب ۱۴ ح ۴۴

پژوهش پیشرو تلاشی است جهت آشکارسازی این حقیقت و برقراری پیوند بین تغییرات اقلیمی و ظهور حضرت مهدی (ع) در دوران ما، خدای متعال می‌فرماید: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾؛ (بزودی نشانه‌های خود را در اطراف (عالم) و در وجودشان بنمایانیم، تا برای ایشان آشکار شود که او حق است).^۳ یعنی اینکه علائم، نشانه‌های راه هستند برای شناخت خلیفه خداوند و تبعیت از او. اما متأسفانه عده‌ای هیچ توجهی به زمان ظهور و روایات مربوط به آن ندارند و بدون توجه به وقایع اطراف، به امور روزمره خود مشغولند. و برعکس عده‌ای آنقدر غرق در جزئیات شده‌اند که در پی آن اهداف اصلی را، فراموش می‌کنند، ایجاست که آگاهی نسبت به روایات و دورانی که در آن زندگی می‌کنیم به ما در تشخیص مدعی حق، از مدعی باطل کمک می‌کند؛ لذا بر آن شدم این مطلب را بنگارم تا اینکه مسیر برای شناخت مهدی موعود (ع) هموار گردد. شاید که با آگاهی از آنها بتوانیم حجت زمان ظهور را تشخیص دهیم، و جهت رستگاری در دنیا و آخرت از او تبعیت نماییم.^۴

^۳ قرآن کریم سوره فصلت آیه ۵۳.

^۴ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الْإِيَّامَ لَمْ يُغْفَلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ»؛ (کسی که اوضاع روزگار خود را می‌شناسد از آمادگی در برابر مقتضیات آن غفلت نمی‌ورزد). همچنین می‌فرماید: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ، مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَانِهِ»؛ (آگاه‌ترین مردم به زمان، کسی است که از تحولات آن به شگفت نیاید). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»؛ (شبهات به کسی که زمانه خود را بشناسد هجوم نمی‌آورد).

گرمای زمین و تغیرات اقلیمی

زمین حدود چهار و نیم میلیارد سال عمر دارد و از زمانی که اتمسفرش شکل گرفته، اقلیم آن پیوسته در حال تغیر و تحول بوده است. مثلاً دمای متوسط زمین قطعا در یک میلیون سال پیش با حالا متفاوت بوده و این تفاوت در ۵ میلیون و ۱۰ میلیون سال قبل هم وجود داشته است. دمای متوسط کنونی زمین، چیزی در حدود ۱۵ درجه‌ی سانتی‌گراد است. این سیاره، قبلاً دماهای متوسط بیشتر و کمتری را هم تجربه کرده است. بنابراین تغیر دمای متوسط زمین اصلاً چیز عجیبی نیست؛ مشکل این‌جاست که سرعت تغیر اقلیم زیاد شده و زمین خیلی سریع در حال گرم شدن است. وقتی تغیر اقلیم خیلی سریع صورت می‌گیرد، زندگی نمی‌تواند خود را با آن وفق دهد و در نتیجه حیات به خطر می‌افتد. تعدادی از فاکتورهای طبیعی چون حرکت‌های قاره‌ای، آتشفشان‌ها، گردش‌های اقیانوسی، زاویه شیب‌زمین، ستاره‌های دنباله‌دار و سنگ‌های آسمانی باعث تغیر اقلیم می‌شوند. اما در حال حاضر عمده‌ی تقصیر این گرم شدن سریع بر گردن فعالیت‌های انسانی است.

دانشمندان می‌گویند ما به دلیل فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی، در حال افزودن به مقدار طبیعی گازهای گلخانه‌ای هستیم و در نتیجه این اثر را تشدید می‌کنیم؛ بدین ترتیب زمین گرم‌تر می‌شود. به گرم شدن زمین بر اثر فعالیت‌های انسانی، «گرمایش جهانی» یا «تغیر اقلیم» می‌گویند. تاثیرگذارترین گاز در اثر گلخانه‌ای، بخار آب است. با این حال تاثیر بخار آب فقط چند روز است و خیلی سریع از بین می‌رود. در ضمن میزان بخار آب اتمسفر زمین در دهه‌های گذشته افزایش خاصی نیافته است. ولی کربن‌دی‌اکسید مدت خیلی بیشتری در اتمسفر می‌ماند. آن قدر کربن‌دی‌اکسید اتمسفر زمین زیاد شده و آن قدر سرعت از بین رفتن آن کم است که صدها سال طول می‌کشد مقدار آن به اندازه‌ی قبل از انقلاب صنعتی برسد.

در ضمن ظرفیت فیلترهای طبیعی زمین مثل اقیانوس‌ها برای جذب کربن‌دی‌اکسید محدود است. انسان با سوزاندن سوخت‌های فسیلی، کربن‌دی‌اکسید زیادی روانه‌ی اتمسفر می‌کند و در ضمن دائماً در حال از بین بردن بعضی فیلترهای طبیعی، مثل جنگل‌ها است. از دیگر گازهای گلخانه‌ای که انسان نقش زیادی در تولید آن‌ها دارد، می‌توان به متان و نیتروس اکسید اشاره کرد؛ ولی همچنان میزان آن‌ها نسبت به کربن‌دی‌اکسید کم است. از زمان وقوع انقلاب صنعتی در سال ۱۷۵۰، مقدار کربن‌دی‌اکسید اتمسفر بیش از ۳۰ درصد و مقدار متان بیش از ۱۴۰ درصد افزایش یافته است. اکنون کربن‌دی‌اکسید اتمسفر زمین به بیشترین مقدار خود در ۸۰۰ هزار سال گذشته رسیده است، جالب است بدانید یکی از علائم ظهور مهدی(ع) دود یا همان (دُخان) است که از جمله مصادیق آن همین گازهای گلخانه‌ای است، رسول خدا(ص) فرمودند: «عَشْرُ قَبْلِ السَّاعَةِ لَا بُدَّ مِنْهَا ... وَ الدُّخَانُ»؛ و در مورد دجال گفته شده: «بَيْنَ يَدَيْهِ جَبَلٌ مِّنْ دُخَانٍ».

نحوه عملکرد گازهای گلخانه‌ای مانند این است که خودروی خود را زیر آفتاب پارک کنید و پنجره‌ها را بالا بکشید، بعد از چند دقیقه هوای داخل خودرو شروع به گرم شدن می‌کند. گرم شدن هوای داخل خودرو به این دلیل است که پرتوهای خورشید از پنجره‌ها وارد می‌شوند و با گرم کردن سطوح داخلی، دمای اتاق را بالا می‌برند، ولی هیچ راهی برای اینکه هوای داخل بتواند با بیرون تبادل گرمایی داشته باشد، وجود ندارد؛ بنابراین دمای داخل پیوسته بالا می‌رود. این همان اثری است که در سالن‌های شیشه‌ای گلخانه‌ها هم ایجاد می‌شود. درباره‌ی کره‌ی زمین هم شرایط به همین صورت است. نور خورشید وارد اتمسفر می‌شود، به سطح زمین برخورد می‌کند و در راه بازگشت، توسط گازهای گلخانه‌ای اتمسفر به دام می‌افتد و نمی‌تواند بیرون برود. البته که این پدیده کاملاً برای زندگی روی زمین مفید است و اگر وجود نداشت، دمای متوسط زمین ۳۰ درجه‌ی سانتی‌گراد سردتر بود. به طور طبیعی در اتمسفر زمین یک سری گازهایی وجود دارد که تاثیر گلخانه‌ای زیادی دارند؛ یعنی می‌توانند انرژی را بیشتر از بقیه به دام بیندازند. کربن‌دی‌اکسید حاصل از سوزاندن سوخت‌های فسیلی، بیشترین نقش را در افزایش اثر گلخانه‌ای دارد.

«مجمع بین‌المللی تغییرات آب و هوایی» (IPCC) در تحقیقی که سال ۲۰۱۳ انجام داد، بر اساس مدل‌سازی‌های کامپیوتری یک سری پیش‌بینی‌هایی انجام داد. بیشتر شبیه‌سازی‌ها نشانگر این هستند که تغییر دمای جهانی سطح زمین تا پایان قرن ۲۱ نسبت به سال ۱۸۵۰ تا ۱۰۵ درجه افزایش می‌یابد. حد ۲ درجه‌ی سانتی‌گراد به عنوان مرز خطر در گرمایش جهانی در نظر گرفته شده است. دانشمندان می‌گویند حتی اگر همین حالا میزان گازهای گلخانه‌ای را به اندازه‌ی چشمگیری کاهش دهیم، اثرات آن ادامه خواهد داشت چرا که قسمت‌های بزرگی از سامانه‌ی اقلیمی برای پاسخ دادن به تغییرات، صدها سال زمان احتیاج دارند. بعلاوه برای خارج شدن گازهای گلخانه‌ای از اتمسفر، به دهه‌ها زمان احتیاج است.

سید احمدالحسن الیمانی(ع) فرمودند:

«الآن القانون الوضعی یرتکب أكبر جریمة فی التاریخ بحق کل الإنسانیة، وهی نتیجة التی وصلت لها الأرض من الاحتباس الحراری الذی یهدد بإبادة الجنس البشري ککل».

(اکنون قانون وضعی مرتکب بزرگترین و سنگین‌ترین جرائم در حق تمام انسانیت در طول تاریخ شده و نتیجه آن رسیدن زمین به این افزایش درجه حرارتی از متوسطه گرمای جهانی می‌باشد که کل جنسیت بشری را تهدید می‌کند).^۵

گاوبین اشمیت یک دانشمند آب‌وهوا که مدیر مطالعات فضایی موسسه‌ی گودارد ناسا است می‌گوید:
(گرم شدن کره‌ی زمین متوقف نخواهد شد. هر چیزی که تا به امروز رخ داده است در سیستم باقی خواهد ماند).

^۵ مع العبد الصالح، ج ۲، المحطة الثانية: فی العقيدة وما یلحق بها - هل ینسجم القانون الوضعی مع فطرة الإنسان؟

این بدان معناست که حتی اگر انتشار کربن همین فردا به صفر برسد همچنان برای قرن‌ها شاهد تغیرات آب‌وهوایی ناشی از اقدامات انسان خواهیم بود. و همه‌ی ما می‌دانیم که انتشار کربن متوقف نخواهد شد. بنابراین اشمیت می‌گوید:

(عامل کلیدی در حال حاضر پایین آوردن سرعت تغیرات آب‌وهوایی به اندازه‌ای است که ما انسان‌ها بتوانیم با کمترین دردسر ممکن با آن سازگار شویم).

او تخمین زده است که سال ۲۰۳۰ زمین از مرز دمای ۱۰۵ درجه سلسیوس خواهد گذشت. اما اشمیت در رابطه با ماندن در ۲ درجه‌ی سلسیوس و زیر آن نسبت به دوره‌ی پیش صنعتی خوش‌بین است و این همان میزان افزایش دمایی است که سازمان ملل امیدوار است از آن جلوگیری کند. توافق بلندپروازانه پاریس درصدد بود، گرمایش جهانی را درست زیر ۲ درجه سانتی‌گراد مهار کند، اما دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا چندی پیش امریکا را از توافق پاریس خارج کرد. این تصمیم که با مخالف‌های زیادی روبه‌رو شد، زمانی گرفته شد که از گرمترین سالی که جهان به خود دیده (۲۰۱۶) زمان زیادی نمی‌گذرد.

(پتری تالاس (Petteri Taalas) دبیرکل سازمان جهانی هواشناسی در سال ۲۰۱۷ گفت:

(سه سال گذشته، همگی رکورد گرمترین سال زمین را یکی پس از دیگری شکسته‌اند. این شواهد، بیانگر یک روند گرم شدن در دراز مدت است، ... در سال جاری ما شاهد تغیرات آب و هوایی بی‌سابقه‌ای بوده‌ایم. از جمله این تغیرات می‌توان به درجه حرارت بالای ۵۰ درجه سانتی‌گراد در آسیا، وقوع طوفان‌های عظیم در سراسر کارائیب و اقیانوس اطلس و وقوع سیل‌های ویران‌کننده و همچنین خشک‌سالی‌های بی‌پایان در شرق آفریقا اشاره کرد. بسیاری از این رویدادها، بیانگر این موضوع هستند که فعالیت‌های انسان و افزایش تولید گاز گلخانه‌ای از سوی کشورها، سبب تغیراتی اساسی در وضعیت اقلیمی سیاره زمین شده است).

در حال حاضر انسان در سرایشی تندی قرار گرفته است. اگر به نشانه‌های خطر بی اعتنا باشیم ممکن است با آنچه اشمیت به عنوان **“سیاره‌ای به طور کلی متفاوت”** پیش‌بینی کرده روبه‌رو شویم و آن شرایط اقلیمی خواهد بود که با زمان آخرین عصر یخبندان تاکنون بسیار متفاوت است.

مطابق مطالعات زمین‌شناسی و بررسی وضعیت‌های اقلیمی، پیش‌بینی می‌شود در بدترین شرایط تا سال ۲۱۰۰ میلادی، ممکن است افزایش درجه حرارت سیاره زمین به ۶ درجه گرمایش برسد و این در قیاس با عصر یخبندان که تغیرات ۴ درجه‌ای گرمای زمین موجبات پایان آن عصر شد، بسیار معنادار خواهد بود. درواقع این ۶ درجه افزایش در صد سال، سیاره زمین را در بدترین شرایط حرارتی قرار می‌دهد که در عمر ۴۰ میلیون ساله سیاره زمین بی سابقه است، دانشمندان می‌گویند به طور کلی گرمایش جهانی ممکن است باعث خشک‌سالی شدید، طوفان‌های وحشتناک، بارش‌های شدید و بالا آمدن سطح آب اقیانوس‌ها گردد.

۱- ارتباط خشک‌سالی شدید با گرم شدن زمین

خشک‌سالی یک پدیده طبیعی و تکرار شونده اقلیمی است. وقوع این پدیده در تمام نقاط جهان محتمل است. هر چند که ویژگی‌های آن از نقطه ای به نقطه دیگر کاملاً متغیر و متمایز است. لذا ارائه یک تعریف واحد برای خشک‌سالی بسیار مشکل می‌باشد اما بطور کلی خشک‌سالی به عدم وجود بارش کافی در طی یک دوره زمانی اطلاق می‌گردد که باعث کمبود آب برای برخی فعالیت‌ها، برخی گروه‌ها و یا بخش‌های زیست محیطی می‌گردد. ما سه نوع خشک‌سالی داریم؛ خشک‌سالی هواشناسی که با کاهش بارش و افزایش دما همراه است. این نوع خشک‌سالی در صورت تداوم، به خشک‌سالی کشاورزی یا زراعتی تبدیل خواهد شد که در آن رطوبت خاک و آب برای آبیاری، کم می‌شود. سپس خشک‌سالی هیدرولوژیکی در پیش خواهد بود که در آن حجم آب رودخانه‌ها و مخازن کم می‌شود. در پایان، اینها به مرحله خشک‌سالی اقتصادی - اجتماعی می‌رسد؛ یعنی خشک‌سالی‌های قبلی پیامدهای اقتصادی اجتماعی در پی خواهد داشت و مشکلات سیاسی ایجاد خواهد کرد.

گرم شدن آب و هوا به همان سرعتی که سطح اقیانوسها را تغییر داده و یخ‌ها را ذوب می‌کند، بر روی خشکی‌های زمین نیز اثر گذار است. درجه حرارت زیاد رطوبت خاک را سریعتر تبخیر و بحران ایجاد می‌کند. برطبق تحقیقات اخیر NCAR درصد خشکی زمین بیشتر از دوبرابر خشکی زمین در سال ۱۹۷۰ بوده است. روایات ظهور، آکنده از اخباری است که گویای رخداد خشک‌سالی‌های متعددی است که در گوشه گوشه جهان مخصوصاً خاورمیانه رخ می‌دهند، تجربه قحطی برای بشر، تجربه‌ای جدید نیست و به طور مشخص در دوره‌های پیشین، زمانی که قرار بود یوسف پیامبر (ع) برای نجات بنی‌اسرائیل مأموریت یابد، اندکی پیش از آن بحرانی دامن مصریان را گرفت و در پی وفور نعمت، تجربه خشک‌سالی عجیبی را نمودند، این قحطی چنان وسیع و شدید بود که بانوی ثروتمندی چون زلیخا به فقر و گدایی می‌افتد؛ بنابر آنچه از پیش‌گویی‌ها بر می‌آید در هنگامه ظهور منجی و نجات بخشی جهانی مهدی موعود (ع)، جهان دچار قحطی و خشک‌سالی فراگیر و شدیدی می‌شود. شاید قرار است خداوند همگان را بعلت تکذیب او دچار چنان اضطرابی کند که از صمیم دل، حکومت و ولایتش را طلب کنند و از هر که غیر اوست دل بکنند.^۶ همچون حضرت یوسف (ع) که خداوند متعال در موردش فرمود:

^۶ امام صادق (ع) در مورد ظهور حضرت مهدی (ع) فرمودند: «يَأْمَنُ صُورٌ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ»؛ (ای منصور! این امر واقع نمی‌شود، مگر پس از ناامیدی). داود بن کثیر رقی گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: من بفدایت این امر آنقدر بدرازاز کشید که دلها تنگ شد و ما دق مرگ شدیم. حضرت فرمودند: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ آيِسٌ مَا تَكُونُ مِنْهُ وَأَشَدُّ عَمَّا»؛ (این امر در آخرین مرحله ناامیدی و سخت‌ترین مرتبه غم و اندوه انجام خواهد گرفت). ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «فَخَرُوجُهُ عِ إِذَا خَرَجَ يَكُونُ عِنْدَ الْإِيَّاسِ وَالْقَنُوطِ مِنْ أَنْ يَرَوْا فَرَجًا فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلُ لِمَنْ نَاوَاهُ وَخَالَفَهُ وَخَالَفَ أَمْرَهُ وَكَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ»؛ (و خروج آن حضرت

﴿فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ۝ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ۝ قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ أَثَرُكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ۝ قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَعْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۷﴾

(چون بر یوسف وارد شدند، گفتند: عزیزا! از سختی [قحطی و خشکسالی] به ما و خانواده ما آسیب رسیده و [برای دریافت آذوقه] مال ناچیزی آورده‌ایم، پس پیمان ما را کامل بده و بر ما صدقه‌بخش؛ زیرا خدا صدقه‌دهندگان را پاداش می‌دهد. * گفت: آیا زمانی که نادان بودید، دانستید با یوسف و برادرش چه کردید؟ * گفتند: شگفتا! آیا تو خود یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است، همانا خدا بر ما منت نهاده است؛ بی‌تردید هر کس پرهیزکاری کند و شکیبایی ورزد، [پاداش شایسته می‌یابد]؛ زیرا خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. * گفتند: به خدا سوگند یقیناً خدا تورا بر ما برتری بخشید و به راستی ما خطاکار بودیم. * گفت: امروز هیچ ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می‌آمزد و او مهربان‌ترین مهربانان است).^۸

• در ادامه روایاتی را خواهیم آورد که به خشک‌سالی‌های عصر ظهور اشاره دارند:

ح ۱. مجلسی از جامع الأخبار نقل می‌کند که رسول خدا (ص) در مورد ویژگی‌های آخرالزمان فرمودند:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ وَجُوهُهُمْ وَجُوهُ الْأَدَمِيِّينَ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ كَأَمْثَالِ الذَّنَابِ الضَّوَارِي سَفَاكُونَ لِلدَّمَاءِ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرِ فَعْلُوهُ إِنْ تَابَعْتَهُمْ ارْتَابُوكَ وَإِنْ حَدَّثْتَهُمْ كَذْبُوكَ وَإِنْ تَوَارَيْتَ عَنْهُمْ اغْتَابُوكَ السَّنَةُ فِيهِمْ بِدْعَةٌ وَ الْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةٌ وَ الْحَلِيمُ بَيْنَهُمْ غَادِرٌ وَ الْغَادِرُ بَيْنَهُمْ حَلِيمٌ الْمُؤْمِنُ فِيهَا بَيْنَهُمْ مُسْتَضْعَفٌ وَ الْفَاسِقُ فِيهَا بَيْنَهُمْ مُشْرِفٌ صَبِيَانُهُمْ عَارِمٌ وَ نِسَاؤُهُمْ شَاطِرٌ وَ شَيْخُهُمْ لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ

بهنگام یأس و ناامیدی است، ای خوشا بحال کسی که بآن حضرت برسد و از یارانش باشد، و وای و همه وای بر کسی که با او مخالفت کند و با دستورات او مخالفت ورزد و از دشمنانش باشد).

^۷ قرآن کریم سوره یوسف آیات ۸۸ الی ۹۲.

^۸ سید احمد الحسن (ع) فرمودند: «و کذلک یوسف هو وصی الإمام المهدی (ع) وابنه، وإخوته هم علماء دین، ... فکل ما جرى لیوسف یجری للمهدی الأول وصی الإمام المهدی (ع) والیمانی الموعود، ... وإذا عرفنا أن یوسف فی زمن ظهور الإمام المهدی (ع)، هو وصیه (الیمانی)، فقولهم (ع): إن فیہ سنة من یوسف وهی السجن، قطعاً لیست فی الإمام المهدی (ع)، لأنه لا یسجن کما هو معروف، بل هی فی المهدی الأول (الیمانی)، إذن فلا بد أن تتكرر مع المهدی الأول قصة یوسف (ع) (بل وقصص الأنبياء والأئمة (ع))، فتكون الرؤیا محوراً أساسیاً لإثبات حقه، کما كانت محوراً أساسیاً لإثبات حق یوسف (ع)».

(و نیز یوسف وصی امام مهدی (ع) است و فرزندش، و برادرانش علمای دین هستند، ... و هر چه بر یوسف گذشت بر مهدی اول وصی امام مهدی (ع) و یمانی موعود خواهد گذشت، ... و اگر بدانیم که یوسف زمان ظهور امام مهدی (ع) وصی او (یمانی) است، و گفته اهل بیت (ع) که در قائم سنتی از یوسف است و ان زندانی شدن است. قطعاً امام مهدی (ع) نیست چون او زندانی نمی‌شود همانگونه که معروف است، بلکه این امر بر مهدی اول (یمانی) مطابقت می‌کند، باید داستان یوسف با مهدی اول تکرار شود و حتی داستان ائمه و انبیاء (ع) و محور اساسی برای اثبات حق او خواب صادقه است.

همانگونه که محور اساسی برای اثبات حق یوسف (ع) بود). إضاءات الجزء الثالث - القسم الأول

وَلَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ الْإِنْتِجَاءُ إِلَيْهِمْ خِزْيٌ وَالْإِعْتِدَادُ بِهِمْ ذُلٌّ وَطَلَبُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ قَطْرٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَحْرُمُهُمُ اللَّهُ قَطْرَ السَّمَاءِ فِي أَوَانِهِ وَيُنْزِلُهُ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ وَيَسْلُطُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَسُومُونَهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ فَيُدْغُو خِيَارَهُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ».

(زمانی برای مردم فرا رسد که صورتهایشان به شکل آدمی است و قلبه‌اشان قلبهای شیطانی است همچون گرگهای گرسنه خونریزند، از کارهای منکر که انجام داده اند دست برنمی دارند اگر از آنان پیروی کنی تو را متهم سازند و اگر با آنان سخن گویی تو را تکذیب کنند و اگر از آنان غائب شوی تو را غیبت کنند، سنت در میان آنان بدعت است و بدعت، سنت. صبور و حلیم نزد ایشان حيله گر و خائن است و خائن نزد ایشان حلیم و صبور، مؤمن در میان آنان مستضعف است و بدکار، بلند مرتبه، کودکانشان شرورند و زنانشان خبیث و بدجنس و پیرشان امر به معروف و نهی از منکر نمی کند، پناه بردن به آنان خواری است و تکیه کردن به آنان ذلت و زاری است. و طلب کردن از آنچه در دستانشان است فقر و ناداری است. در چنین زمانی، خداوند آنان را از باران در فصل و موسمش محروم می‌گرداند و باران را در غیر موسمش فرومی‌فرستد، در آن زمان خداوند اشرار و مردم بد را بر ایشان مسلط گرداند تا عذابی سخت بر آنان وارد سازند، پسرانشان را می‌کشند و زنانشان را زنده نگه می‌دارند، را بر آنها مسلط می‌کند بگونه ای که فرزندان‌شان را میکشند و زنان‌شان را به اسارت می‌برند در آن زمان خوبان و برگزیدگان‌شان دعا می‌کنند اما مستجاب نمی‌شود).

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُطُونُهُمُ آلِهَتُهُمْ وَنِسَاؤُهُمْ قَبْلَتُهُمْ وَذَنَابُهُمْ دِينُهُمْ وَشَرَفُهُمْ مَنَاعُهُمْ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ وَ لَا مِنْ الْإِسْلَامِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا دَرْسُهُ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ وَ قُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى عُلَمَاؤُهُمْ شَرٌّ خَلَقَ اللَّهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ حِينَئِذٍ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ فِي هَذَا الزَّمَانِ بِأَرْبَعٍ خِصَالٍ جَوْرٍ مِنَ السُّلْطَانِ وَ قَحْطٍ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُلْمٍ مِنَ الْوَلَاةِ وَ الْحُكَامِ فَتَعَجَّبَتِ الصَّحَابَةُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْغَبُدُونَ الْأَصْنَامَ قَالَ نَعَمْ كُلُّ دَرْهَمٍ عِنْدَهُمْ صَنَمٌ».

(زمانی برای مردم فرا رسد که شکم‌هایشان خدایانشان است و زنان‌شان، قبله آنان و دینارهایشان، دینشان و شرف و افتخارشان، کالاهایشان است از ایمان فقط نامی و از اسلام تنها نشانی و از قرآن فقط درسی باقی می‌ماند، ساختمان مساجدشان آباد و قلبه‌هایشان از هدایت خراب و ویران است. عالمان‌شان بدترین مردمان روی زمینند. در این هنگام خداوند آنان را به چهار خصلت آزمایش و مبتلا می‌کند، ستم سلطان و قحطی دوران و ظلم والیان و حکمرانان و قاضیان، پس صحابه تعجب کردند و گفتند: ای رسول خدا! آیا آنان بت‌ها را می‌پرستند فرمود: آری، هر درهمی نزد آنان بتی است).^۹

^۹ بحار الأنوار؛ ج ۲۲؛ ص ۴۵۳ باب ۱۴ ح ۱۱- جع

در حدیث حجة الوداع جابر بن عبدالله از رسول خدا(ص) نقل کرده که فرمودند:

فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَى وَجُوهَهُمْ وَجُوهَ الْأَدَمِيِّينَ وَ قُلُوبَهُمْ قُلُوبَ الشَّيَاطِينِ كَلَامُهُمْ أُخْلِيَ مِنَ الْعَسَلِ وَ قُلُوبُهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ فَهُمْ ذَنَابٌ وَ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَفَبِي تَغْتَرُونَ أَمْ عَلَى تَجْتَرُونَ أَمْ فَحَسْبُكُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَدًا وَ أَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَوَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْ لَا مَنْ يَعْبُدُنِي مُخْلِصًا مَا أَمَهَلْتُ مَنْ يَعْبُدُنِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ لَوْ لَا وَرَعُ الْوَرَعِينَ مِنْ عِبَادِي لَمَا أَنْزَلْتُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَةً وَ لَا أَنْبَتُ وَرَقَةً خَضَاءَ فَوَا عَجَبًا لِقَوْمِ آلِهَتِهِمْ

ح ۲. امیرالمومنین علی(ع) در خطبه البیان فرمودند: من شما را خبردهم به آنچه که بعد من می‌گذرد و به آنچه که در آخر الزمان به وقوع می‌پیوندد تا خروج صاحب الزمان، اوست برپا کننده امر ما و از ذریه فرزندانم حسین است. یاران گفتند: آن واقعه در چه هنگام است؟ حضرت فرمودند:

«إِذَا وَقَعَ الْمَوْتُ فِي الْفُقَهَاءِ وَ ضِيعَتِ أُمَةُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى الصَّلَاةُ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَ قَلَّتِ الْأَمَانَاتُ وَ كَثُرَتِ الْخِيَانَاتُ وَ شَرِبُوا الْقَهَوَاتِ وَ اسْتَشْعَرُوا شَتَمَ الْأَبَاءِ وَ الْأُمَهَاتِ وَ رَفَعَتِ الصَّلَاةُ مِنَ الْمَسَاجِدِ بِالْخُصُومَاتِ وَ جَعَلُوهَا مَجَالِسَ الطَّعَامَاتِ وَ أَكْثَرُوا مِنَ السَّيِّنَاتِ وَ قَلَّلُوا مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ عَوَصَرَتِ السَّمَاءُ فَحِينَئِذٍ تَكُونُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ وَ الشَّهْرُ كَالْأَسْبُوعِ وَ الْأَسْبُوعُ كَالْيَوْمِ وَ الْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ وَ يَكُونُ الْمَطَرُ قَيْظًا».

(زمانی که مرگ در فقها شایع شود و امت محمد مصطفی نمازها را ضایع کنند، و پیروی از شهوات نمایند. امانتداری کم و خیانت فراوان گردد. زمانی که مسکرات بیاشامند و دشنام دادن به پدر و مادر شعارشان گردد. به سبب کینه و دشمنی با یک دیگر نمازی در مساجد به پای داشته نشود و از آن به عنوان مجلس خورد و خوراک استفاده شود. در انجام گناهان زیاده روی و در بجای آوردن کارهای خوب کم کاری صورت گیرد. و عرصه های آسمان به یکدیگر نزدیک شود، در آن زمان هر سال به مقدار یک ماه، و هر ماه به اندازه یک هفته، و هر هفته به مقدار یک روز، و هر روز به قدر یک ساعت گردد، آب و هوا در فصل باریدن باران، آب و هوای تابستان شود).^{۱۰}

ح ۳. محمد بن جریر طبری، در دلائل الإمامة با اسنادی عالی از داود رقی نقل می‌کند: روزی مردی بنزد ابوعبدالله (امام صادق ع) آمد و گفت: نهایت علم تو چیست؟ امام به او فرمود: نهایت سوال تو چیست؟ آن مرد گفت: در اینجا دریائی از آب وجود دارد آیا در زیر آن چیزی وجود دارد؟ حضرت فرمودند: بله در زیر آن چیزی هست آیا دوست داری از آن بشنوی یا اینکه ببینی؟ آن مرد گفت: دوست دارم که ببینم چراکه چشم هرآنچه را که ببیند قلب به آن شهادت می‌دهد، اما گوش که میشنود چشم نمیبیند لذا آن را درک نمی‌کند. پس امام بلند شد دست آن مرد را گرفت و با خود به ساحل دریا برد، و گفت: ای بنده مطیع پروردگارت هرآنچه را که در درون خود داری آشکار ساز، در آن هنگام آب دریا تا به آخر شکافته شد و (در زیر آن) آبی بغایت سفید و شیرین همچون شیر و عسل نمایان گشت، بوی آن آب از مشک خشبوتر و از زنجبیل گواراتر بود، وقتی آن مرد این آب را دید گفت ای ابا عبدالله فدایت گردم این آب برای چه کسانی است؟ حضرت فرمودند: برای قائم و اصحابش. آن مرد پرسید: چه زمانی؟ حضرت فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَ أَصْحَابُهُ فَقَدْ الْمَاءُ الَّذِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، حَتَّى لَا يُوجَدَ مَاءٌ، فَيَضِجُ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى اللَّهِ بِالدُّعَاءِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ لَهُمْ هَذَا الْمَاءَ، فَيَشْرَبُونَهُ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَى مَنْ خَالَفَهُمْ. قَالَ: ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ، فَرَأَى فِي الْهَوَاءِ خَيْلًا مُسَرَّجَةً مُلْجَمَةً، وَ لَهَا أَجْنِحَةٌ، فَقُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، مَا هَذِهِ الْخَيْلُ؟ فَقَالَ: هَذِهِ خَيْلُ الْقَائِمِ

أَمْوَالُهُمْ وَ طَالَتْ آمَالُهُمْ وَ قَصُرَتْ آجَالُهُمْ وَ هُمْ يَطْمَعُونَ فِي مُجَاوَرَةِ مَوْلَاهُمْ وَ لَا يَصِلُونَ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ لَا يَتِمُّ الْعَمَلُ إِلَّا بِالْعَقْلِ. بحار الأنوار؛ ج ۵۲؛ ص ۲۶۲

^{۱۰} إلزام الناصب؛ ج ۲؛ ص ۱۵۳، العبقري الحسان؛ ج ۷؛ ص ۱۷۴

(عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ أَصْحَابِهِ. قَالَ الرَّجُلُ: أَنَا أَرْكَبُ شَيْئاً مِنْهَا؟ قَالَ: إِنْ كُنْتَ مِنْ أَنْصَارِهِ. قَالَ: فَأَشْرَبُ مِنْ هَذَا الْمَاءِ؟ قَالَ: إِنْ كُنْتَ مِنْ شِيعَتِهِ».

(هنگامی که قائم و اصحابش قیام کنند آب بر روی زمین نایاب باشد تابغایتی که آبی یافت نشود، در آن زمان مومنان بنزد خداوند دعا و ناله کنند و خداوند این آب گوارا را برای آنها بجوشاند، مومنان از این آب بنوشند درحالی که مخالفانشان از نوشیدن آن محرومند. در آن هنگام آن مرد به بالای سر خود نظری افکند و سپاهی منظم و نورانی که دارای بال بودند دید، سوال کرد: آن سپاه چیست؟ فرمودند: این سپاه قائم و اصحابش است. آن مرد پرسید: آیا من هم میتوانم بر چیزی که آنها سوار شده اند سوار شوم؟ حضرت فرمودند: اگر از انصارش باشی (بله). آن مرد گفت: آیا میتوانم از این آب هم بنوشم؟ حضرت فرمود: اگر از شیعیانش باشی).^{۱۱}

ح ۴. علامه بحرانی از کتاب کشف البیان نقل می کند که امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۲۲ سوره سجده ﴿وَنَذِيقُهُمُ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ ذُوْنَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^{۱۲} (حتما به آنان از عذاب نزدیک (عذاب کوچک) پیش از عذاب بزرگتر می چشانیم، شاید که بازگردند)، فرمودند:

«أَنَّ الْأَذْنَى الْقَحْطُ وَ الْجَدْبُ وَ الْأَكْبَرُ خُرُوجُ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ (ع) بِالسَّيْفِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ».

«عذاب نزدیکتر، قحطی و خشکسالی و عذاب بزرگتر، خروج قائم مهدی با شمشیر در آخر الزمان است».^{۱۳}

ح ۵. نعمانی بسند خود از محمد ابن مسلم نقل می کند که امام جعفر صادق (ع) فرمودند:

«إِنَّ قَدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ) قَالَ (لَنَبْلُوَنَّكُمْ) يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ (بَشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ) مِنْ مُلُوكِ بَنِي فَلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ (وَ الْجُوعِ) بِغَلَاءِ أَسْعَارِهِمْ (وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ) فَسَادِ التَّجَارَاتِ وَ قِلَّةِ الْفَضْلِ فِيهَا (وَ الْأَنْفُسِ) قَالَ مَوْتُ ذُرِّيْعٍ (وَ الثَّمَرَاتِ) قِلَّةُ رِيْعٍ مَا يُزْرَعُ وَ قِلَّةُ بَرَكَةِ الثَّمَارِ (وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ) عِنْدَ ذَلِكَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ ع ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: (وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ)».

«پیشاپیش قیام قائم نشانه‌هایی خواهد بود: گرفتاری از جانب خدا برای بندگان مؤمنش. عرض کردم: آن گرفتاری چیست؟ فرمود: همان است که خدای عز و جل میفرماید: (حتما ما شما را آزمایش خواهیم کرد بچیزی از ترس و گرسنگی و کم بود در مال و جان و میوه‌جات و بردباران را مژده بده). فرمود: ما حتما

^{۱۱} دلائل الإمامة ؛ ص ۴۶۱ باب معرفة وجوب القائم ح ۴۴۲ / ۴۶

^{۱۲} قرآن کریم سوره یوسف آیات ۸۸ الی ۹۲.

^{۱۳} معجم الأحادیث ؛ ج ۷ ؛ ص ۴۷۹ ، منتخب الأثر ؛ ج ۳ ؛ ص ۸۴

همچنین در تفسیر همین آیه از امام صادق (ع) نقل شده: « الْأَذْنَى غَلَاءُ السَّعْرِ وَ الْأَكْبَرُ الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ »، همچنین کامل سلیمان در کتاب یوم الخلاص از قول حضرت مینویسد: « إِنَّ الْعَذَابَ الْأَذْنَى هُوَ الْقَحْطُ وَ الْجَدْبُ وَ غَلَاءُ السَّعْرِ قَبِيلُ خُرُوجِ الْقَائِمِ بِالسَّيْفِ! وَ الْعَذَابُ الْأَكْبَرُ: الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ کيفر کوچک قحطی، خشکسالی و گرانی قیمت‌هاست قبل از خروج قائم با شمشیر، و کيفر بزرگ شمشیر مهدی در آخر الزمان است».

شما را آزمایش خواهیم کرد یعنی مؤمنین را (بچیزی از ترس) از پادشاهان فلان خانواده در پایان سلطنتشان (و گرسنگی) با گرانی قیمت‌هایشان (و کمبود ثروتها) تباهی بازرگانی و کم سود بودن تجارتها (و جانها) فرمود: یعنی مرگ زودرس (و میوه‌جات) یعنی کم شدن کشاورزی و کم بود برکت میوه‌ها (و بُرد باران را مژده بده) در چنین وقت بخروج قائم(ع). سپس مرا فرمود: ای محمد این است تأویل این آیه و خداوند میفرماید: (تأویل آن را بجز خدا و پاداران در دانش کسی نمیداند)^{۱۴}.

ح ۶. محمد بن عبد الله گوید امام صادق(ص) از قول جدشان امیرالمؤمنین علی(ع) فرمودند:

«و تَعُوذُ دَارُ الْمَلِكِ إِلَى الزُّورَاءِ، وَ تَصِيرُ الْأُمُورُ سُورَى، مَنْ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ فَعَلَهُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ السُّفْيَانِي، فَيَرْكَبُ فِي الْأَرْضِ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ يَسُومُهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ، فَوَيْلٌ لِمِصْرَ وَ وَيْلٌ لِلزُّورَاءِ وَ وَيْلٌ لِلْكُوفَةِ وَ الْوَيْلُ لَوَاسِطٍ، كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى وَاسِطٍ وَ مَا فِيهَا مُخْبِرٌ يُخْبِرُ، وَ عِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ السُّفْيَانِي، وَ يَقِلُّ الطَّعَامُ، وَ يَفْحِطُ النَّاسُ، وَ يَقِلُّ الْمَطَرُ، فَلَا أَرْضَ تُنْبِتُ، وَ لَا سَمَاءَ تُنْزِلُ».

(مقر و منزل سلطنت به زوراء (بغداد) برخواهد گشت، و کارها بوسیله شورا انجام خواهد شد، و هر کسی بر چیزی غالب شد آن را انجام می‌دهد، در آن هنگام سفیانی خروج می‌کند و مدت نه ماه در زمین گردش نماید و مردم را بدترین عذابها معذب کند، وای بر مردم مصر و بغداد و کوفه و واسط کأن من بواسط و اتفاقات آن نظر می‌کنم، در آن هنگام که سفیانی خروج کند طعام و غذا کمیاب و مردم دچار قحط خواهند شد و باران کم می‌شود نه زمینی خواهد بود که گیاهی برویاند و نه آسمانی است که بارانی فرو ریزد)^{۱۵}.

ح ۷. عمرو بن سعد [بن معاذ اُشهلّی] گوید: امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود:

«لَا تَقُومُ الْقِيَامَةُ حَتَّى تُفْقَأَ عَيْنُ الدُّنْيَا وَ تَظْهَرَ الْحُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ وَ تَلْكَ دُمُوعُ حَمَلَةِ الْعَرْشِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَظْهَرَ فِيهِمْ عِصَابَةُ لَا خَلَقَ لَهُمْ يَدْعُونَ لَوْلَدِي وَ هُمْ بَرَاءٌ مِنْ وَلَدِي، ... لَا سَقَاها اللَّهُ الْمَطَرُ فِي سَنَةِ إِظْهَارِ غَيْبَةِ الْمُتَعَيِّبِ مِنْ وَلَدِي صَاحِبِ الرَّأْيَةِ الْحُمْرَاءِ وَ الْعِلْمِ الْأَخْضَرِ».

(قیامت بر پا نخواهد شد تا اینکه چشم دنیا از کاسه بیرون آید و سرخی در آسمان پدیدار شود و آن ناشی از اشکهای حاملان عرش است که بر اهل زمین می‌ریزد تا جماعتی که بهره‌چندانی از دین ندارند، در

^{۱۴} الغیة للنعمانی: ۲۵۱، باب ۱۴، ح ۵؛ جابر جُعیفی گوید از امام باقر(ع) سؤال کردم از معنی فرمایش خدای تعالی: «و ما شما را

حتما خواهیم آزمود به چیزی از ترس و گرسنگی - تا آخر آیه» پس آن حضرت فرمود: «يَا جَابِرُ ذَلِكَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ فَأَمَّا الْخَاصُّ مِنَ الْجُوعِ فَبِالْكُوفَةِ وَ يَخْصُّ اللَّهُ بِهِ أَغْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ فِيهِلْكُهُمْ وَ أَمَّا الْعَامُّ فَبِالْشَّامِ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ وَ جُوعٌ مَا أَصَابَهُمْ مِثْلُهُ قَطُّ وَ أَمَّا الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ ع وَ أَمَّا الْخَوْفُ فَبَعْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ ع؛ ای جابر [این آیه] یک معنای خاص دارد و یک معنای عام. معنای خاص، گرسنگی در کوفه است که خداوند آن را مخصوص دشمنان آل محمد، قرار داده و به وسیله آن، آنها را هلاک می‌کند. ولی معنای عام آن در شام محقق می‌شود که اهل آنجا به خوف و هراس و گرسنگی مبتلا می‌شوند که احدی به مانند آن مبتلا نشده باشد و گرسنگی پیش از قیام قائم (ع) است و خوف و هراس پس از قیام

قائم (ع)». الغیة للنعمانی: ۲۵۱، باب ۱۴، ح ۷

^{۱۵} التشریف بالمن فی التعریف بالفتن؛ ص ۲۶۶ الباب ۵۴ ح ۳۸۶

از امام علی (ع) روایت شده است: «وَلْيَصِيبَنَّ أَهْلَ الرِّیِّ فِي وَلايَةِ السُّفْيَانِي قَحْطٌ وَجَهْدٌ وَبَلَاءٌ عَظِيمٌ» الفتوح: ج ۲ ص ۷۸-۸۱

میان مردم پیدا شوند و برای فرزندم دعوت کنند در صورتی که خودشان از فرزندم بیزارند، ...؛ خداوند باران خود را از آن قوم دریغ دارد در سال اعلام غیبت غایب‌شونده از فرزندانش، آنکه صاحب پرچم سرخ و بیرق سبز است).^{۱۶}

ح ۸. حضرت علی(ع) بعد از جنگ نهروان در «براثا» خطاب به راهبی بنام «حباب» که در غاری منزل داشت فرمودند:

«يَا حُبَابُ سَتَبْنِي إِلَى جَنْبِ مَسْجِدِكَ هَذَا مَدِينَةُ وَ تَكْثُرُ الْجَبَابِرَةُ فِيهَا وَ تَعْظُمُ الْبَلَاءُ، ...، وَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ السَّفْحِ لَا يَدْخُلُ بِلَدٍّ إِلَّا أَهْلَكَ أَهْلَهُ ثُمَّ لِيَعِدَ [لِيَعُوذَ] عَلَيْهِمْ مَرَّةً أُخْرَى ثُمَّ يَأْخُذُهُمُ الْقَحْطُ وَ الْعَلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِمُ الْجَهْدُ ثُمَّ يَعُوذُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ يَدْخُلُ الْبَصْرَةَ فَلَا يَدْعُ فِيهَا قَائِمَةً إِلَّا سَخَطَهَا وَ أَهْلَكَهَا وَ أَسْخَطَ أَهْلَهَا وَ ذَلِكَ إِذَا عَمَرَتِ الْخَرْبَةُ وَ بَنِيَ فِيهَا مَسْجِدٌ جَامِعٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ هَلَاكُ الْبَصْرَةِ».

(ای حباب، به زودی در جنب مسجد تو (براثا) شهری بنا می‌شود (بغداد) که ستمگران بسیار فراوانی در آن باشند و (مردمش) بلای بزرگی در پیش خواهند داشت، ...؛ خداوند مردی از اهل سفح (سفاک و بی‌باک و خونریزی) را بر آنها مسلط می‌کند، و او به هیچ شهری وارد نمی‌شود مگر آنکه آن را خراب می‌کند و مردم آن را می‌کشد، سپس باری دیگر بسوی آنها بر می‌گردد، آنگاه مردم (عراق) تا سه سال به قحطی مبتلا می‌شوند، و سختی و رنج زیادی به آنها می‌رسد، و باز آن مرد سفاک و خونریز به جانب آنها بر می‌گردد سپس وارد بصره می‌شود و هر خانه که بیابد ویران می‌سازد و ساکنین آن را به قتل می‌رساند و مردمش را نابود می‌کند، نشانه هلاکت بصره موقعی است که الْخَرْبَةُ بصره آباد گردد (شهرکهای اطراف بصره)، و مسجد جامعی در آن بنا گردد).^{۱۷}

در روایات عصر ظهور با نصوصی روبرو می‌شویم که نشان می‌دهند رودهای بزرگ خاورمیانه (از جمله): فرات و نیل، رو به خشکی می‌نهند، و این امر نشان دهنده خشک‌سالی چندین ساله و شدید خاورمیانه است که باعث می‌شود دو رود بزرگ فرات و نیل کم آب شوند؛ در مکاشفه یُوْحَنَّا لَاهُوتی اصحاب ۱۶ آیه ۱۲ آمده است: «ثُمَّ سَكَبَ الْمَلَائِكَةُ السَّادِسُ جَامَهُ عَلَى النَّهْرِ الْكَبِيرِ الْفُرَاتِ، فَنَشِيفَ مَآؤُهُ لِكَيْ يُعَدَّ طَرِيقُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ مِنْ مَشْرِقِ الشَّمْسِ»؛ (فرشته ششم کاسه خود را در رودخانه بزرگ فرات خالی کرد. آنگاه آب رودخانه خشک شد تا راه برای پادشاهان مَشْرِقِ الشَّمْسِ آماده شود).^{۱۸}

^{۱۶} الغيبة للنعمانی؛ النص؛ ص ۱۴۷ ح ۵ باب ۱۰

^{۱۷} بحار الأنوار؛ ج ۵۲؛ ص ۲۱۷؛ باب ۲۵ ح ۸۰-شف، [كشف اليقين]

^{۱۸} در اصحاب ۱۱ همین روایا آیه ۶ می‌فرماید: «هَذَا أَنْ لِهَئِمَّا السُّلْطَانُ أَنْ يُغْلِقَا السَّمَاءَ حَتَّى لَا تُمْطِرَ مَطَرًا فِي أَيَّامِ بُنُوتِهِمَا، وَلِهَئِمَّا سُلْطَانٌ عَلَى الْمِيَاهِ أَنْ يَحْوِلَها إِلَى دَمٍ، وَأَنْ يَضْرِبَا الْأَرْضَ بِكُلِّ ضَرْبَةٍ كَلَّمَا أَرَادَا؛ آن دو اختیار دارند که آسمان را ببندند تا در روزهایی که نبوت می‌کنند، باران نبارد و اختیار دارند که آب‌ها را به خون مبدل کنند و هر چند بار که بخواهند، هر گونه بلا را بر سر زمین بیاورند».

درمورد رود نیل که یکی از بزرگترین و پرآب‌ترین رودهای زمین است، از رسول خدا (ص) نقل شده: «و خَرَابُ مِصْرَ مِنْ جَفَافِ النَّيْلِ، ... وَخَرَابُ الْعِرَاقِ مِنَ الْقَحْطِ».^{۱۹} از همین جهت در نسخه دوم خطبه البیان اشاره شده که بعد از خروج مهدی اول (ع) و رسیدن او به مصر وضعیت نیل روبه سامان می‌نهد.

ح ۹. امیرالمومنین علی(ع) در نسخه دوم خطبه البیان فرمودند:

«ثم يخرج الهمام، فيصلی بالناس إمام، ثم يقتل بعد برهة من الزمان، بين الخدام و الخلان، فعندها يخرج من العرب اناس على شهب من الخيل بالمزامير و الأعلام و الطبول فيملكون البلاد، و يقتلون العباد، ثم يخرج من السجن غلام يفنى عددهم، و يأسر مددهم، و يهزمهم إلى البيت المقدس، و يرجع مؤيدا منصورا محبورا، ثم ينزل في مصر و قد نقص نيلها، و يبست أشجارها، و عدمت ثمارها، فيظفر عند صاحب الراية المحمدية، و الدولة الأحمدية، القائم بالسيف و الحال، الصادق في المقال، يمهد الأرض، و يحيى السنة و الفرض».

(سپس الهمام خروج میکند و مدت زمانی را به امامت نماز جماعت مردم بپردازد، سپس بعد از گذشت برهه ای از زمان در حالی که بین خدام و کارگزاران قرار دارد کشته میشود، پس در آن زمان مردمانی از عرب همراه با اسب‌سواران بسیار درحالی که مزامیر و وسائل اعلام و طبلها در اختیار دارند پیش می‌آیند و مالک بلاد گردند و عباد را بکشند، سپس غلامی از زندان خارج میشود و او کسی است که جمعیت آنها را پراکنده ساخته و بسوی بیت المقدس فراری میدهد، سپس از بیت المقدس باز می‌گردد درحالی که پیروز و یاری شده است و در دلها جای گرفته، سپس در مصر فرود می‌آید و این در زمانی است که آب رودخانه نیل کم شده و درختان مصر رو بخشی گرایده بدون ثمر شده اند، پس عزتمند گردند مصریان در نزد صاحب پرچم محمدی و دولت احمدی القائم بالسيف و راستگو در گفتار، او زمین را آماده سازد و سنتها و فرائض را زنده گرداند).^{۲۰}

ح ۱۰. در کتاب ملاحم ابن منادی از ابا امامه الباهلی نقل شده که رسول خدا (ص) خطبه بلند در مورد دجال ایراد نمود که قسمتی از آن چنین است:

«لم تكن فتنة في الأرض منذ ذرأ الله ذرية آدم أعظم من فتنة الدجال وإن الله لم يبعث نبيا إلا حذر من الدجال وأنا آخر الأنبياء وأنتم آخر الأمم وهو خارج فيكم لا محالة، ... وإن من فتنة أن يأمر السماء أن تمطر فتمطر ويأمر الأرض أن تثبت فتثبت، ... وإن قبل خروج الدجال ثلاث سنوات شداد، يصيب الناس فيها جوع شديد، ويأمر الله السماء في السنة الأولى أن تحبس ثلث مطرها، ويأمر الأرض فتحبس ثلث نباتها، ثم يأمر الله السماء في السنة الثانية، فتحبس ثلثي مطرها، ويأمر الأرض فتحبس ثلثي نباتها، ثم يأمر الله عز وجل السماء في السنة الثالثة فتحبس مطرها كله، فلا تقطر قطرة، ويأمر الأرض أن تحبس نباتها كله فلا تثبت خضراء، فلا تبقى ذات ظلف إلا هلكت إلا ما شاء الله».

^{۱۹} البدايه والنهايه - ط هجر نویسنده: ابن كثير جلد: ۱۹ صفحه: ۹۲

^{۲۰} الدر المنتظم في السر الأعظم؛ ص ۴۴، إلزام الناصب؛ ج ۲؛ ص ۱۹۷

(از زمانی که خداوند ذریه آدم(ع) را پخش کرد فتنه ای بزرگتر از فتنه دجال بر روی زمین قرار نداد، هیچ پیامبری را خداوند مبعوث نکرد مگر اینکه آنها را از خطر دجال برحذر داشته است، و من آخر انبیا و شما آخر امتها هستید، بنابراین خروج دجال بر شما حتمیست، ... از جمله فتنه های دجال این است که به آسمان دستور میدهد باران ببارد و آنها هم میبارد، و بزمین دستور میدهد که بروید و میروید، ... آگاه باشید که قبل از خروج دجال سه سال سخت وجود دارد، سالهای که در آن مردم دچار گرسنگی شدید میشوند، در سال اول (شداد) خداوند به آسمان و زمین امر میکند یکسوم از باران و بذر خود را منع کنند، سپس در سال دوم خداوند دوسوم باران و بذر را منع کند، و در سال سوم خداوند تمام باران را منع کند پس قطره ای باران نبارد، و بزمین دستور دهد هیچ بزی را نروپاند پس گیاهی سبز نشود، در نتیجه این وضعیت حیوانات صاحب سُمی هلاک شوند مگر آن مقدار که خداوند خواهد).^{۲۱}

نق ۱۱. شیخ برسی در کتاب مشارق الأنوار از «سطیح» (کاهن) نقل کرده است:

«عند طلوع الكوكب الذي يرفع العرب و له شبيه الذنب فهناك تنقطع الأمطار و تجف الأنهار و تختلف الأعصار و تغلو الأسعار في جميع الأقطار».

(هنگام طلوع ستاره‌ای که عرب را میترساند، ستاره‌ای که چیزی شبیه به دُم دارد. در آن هنگام است که بارانها کم و نهرها خشک و اوقات اختلاف پیدا می‌نماید و قیمت‌ها در همه جا بالا می‌رود).^{۲۲}

۲- ارتباط طوفان و گرد خاک با گرم شدن زمین

طوفان عبارت است از آشفته‌گی شدید جوّی و اختلال شدید فشار هوا. گاه بر اثر برخورد دو جبهه هوای سرد و گرم، طوفانی به وقوع می‌پیوندد که می‌تواند موجب قطع درختان، خرابی ساختمان‌ها و شکستن شیشه‌ها شود. طوفان در نقاط مختلف به‌صورت تندباد، گردباد دریایی یا گردباد خشکی ظاهر می‌شوند.

طوفان شن، طوفان گرد و غبار یا طوفان خاک در مناطق خشک و نیمه‌خشک رخ می‌دهد. در این پدیده بادی نیرومند ذرات ماسه را از سطح خشک زمین به هوا بلند می‌کند. این ذرات بسته به اندازه آنها تا مسافت‌های زیادی در هوا حرکت می‌کنند و در آخر به زمین فرو می‌افتند. عوامل مختلفی اعم از عوامل جوی، وجود بادهای شدید، خاک لخت و بدون پوشش گیاهی، ساختارهای زمین‌شناسی، بارندگی کم، کاهش رطوبت خاک و آب و هوای خشک سبب تشکیل این‌گونه طوفان‌ها می‌گردد. اما در سال‌های اخیر به دلیل تغییرات اقلیمی و آب و هوای کره زمین، وقوع طوفان‌های گرد و غبار افزایش چشم‌گیری داشته است.

در خاورمیانه این طوفان‌های گرد و غباری از شمال شکل می‌گیرد و با گذر از کوه‌های ترکیه و شمال عراق، مانند قیفی به بیابان‌های عراق و سوریه سرازیر می‌شود و تا خلیج فارس و رسیدن به آب‌های آزاد

^{۲۱} الملاحم لابن منادی؛ ص ۲۴۸ ح ۷/۲۰۲؛ عقد الدرر؛ ص ۳۴۵

^{۲۲} بحار الأنوار؛ ج ۵۱؛ ص ۱۶۲؛ باب ۱۱

پیش می‌رود. جریان‌های خشک هوای عربستان و عدم توجه به محیط زیست و بیابان‌زدایی در عراق باعث خشک شدن بسیاری از باتلاق‌های عراق و ایجاد نواحی غبارساز شده است.

در روایات ظهور به گونه‌هایی از بادها و حوادث طبیعی روبرو می‌شویم که احتمالاً بی‌ارتباط با گرمایش زمین، خشک‌سالی و مسئله ریزگردها، نیست. در بعضی از آنها عبارات؛ (رِيحٌ صَفْرَاءُ مِنْ قِبَلِ الْقَيْلَةِ)، (الرَّيْحُ الْحُمْرَاءُ)، (تَظْهَرُ الْحُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ)، (وَحُمْرَةٌ تُجَلُّلُ السَّمَاءِ) آمده است.

● در ادامه با تعدادی از این روایات آشنا می‌شویم:

ح ۱. سلمان فارسی از رسول خدا (ص) پرسید: این امور چه وقت خواهد بود؟ حضرت فرمودند:

«يَا سَلْمَانَ إِذَا قَلَّتْ عِلْمَاؤُكُمْ وَ ذَهَبَتْ قُرَاؤُكُمْ وَ قَطَعْتُمْ زَكَاتَكُمْ وَ أَظْهَرْتُمْ مُنْكَرَاتِكُمْ وَ عَلَتْ أَصْوَاتُكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ وَ جَعَلْتُمُ الدُّنْيَا فَوْقَ رُءُوسِكُمْ وَ الْعِلْمَ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَ الْكَذِبَ حَدِيثَكُمْ وَ الْغَيْبَةَ فَكَيْهَتَكُمْ وَ الْحَرَامَ غَنِيمَتَكُمْ وَ لَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرُكُمْ وَ لَا يُوقِرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرُكُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَنْزِلُ اللَّغْنَةُ عَلَيْكُمْ وَ يُجْعَلُ بِأَسْكُمْ بَيْنَكُمْ وَ بَقَى الدِّينُ بَيْنَكُمْ لَفْظًا بِالسِّتْنِكُمْ فَإِذَا أُوتِيتُمْ هَذِهِ الْخِصَالِ تَوَقَّعُوا الرِّيحَ الْحُمْرَاءَ أَوْ مَسْخًا أَوْ قَذْفًا بِالْحِجَارَةِ وَ تَصْدِيقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شَيْعًا وَ يُدِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسِّ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ»

«ای سلمان! وقتی علمای شما کم شدند و قاریان شما رفتند، و زکات دادن را قطع نمودید، و منکرات را آشکار ساختید، و صداها را در مساجد خود بلند گردید، و دنیا را بالای سر خود بردید، و علم را زیر پاهای خود نهلیدید، و دروغ گفتن را حدیث خود قرار دادید، و غیبت را برای خود شیرین و حرام را غنیمت دانستید، وقتی بزرگ شما به کوچک خود رحم و کوچک شما به بزرگتان تعظیم نکند. در آن هنگام لعنت بر شما نازل و جنگ‌های شدید بر شما واقع می‌شود، و از دین جز نامی در زبان‌های شما چیزی باقی نمی‌ماند. وقتی که این خصلت‌ها به شما داده شد، آن وقت به وزیدن باد سرخ، مسخ شدن و یا به باریدن سنگ منتظر باشید. مصدق این سخن من، این آیه در کتاب خدای عزّ و جلّ است: (به ایشان بگو خدای تعالی، قادر است از بالای سر شما یا از سمت زیر پای شما عذابی بفرستد و یا شما را چند طایفه مخالف باهم کند و به بعضی از شما شدت جنگ بعضی دیگر را. نگاه کن بین چگونه آیات علامات را می‌گردانیم برای این که ایشان متنبّه شوند و بفهمند، تا این که از بیراهه ضلالت به شاهراه هدایت برگردند)».^{۲۳}

نق ۲. سید بن طاووس در فتن خود از قول سلیلی می‌نویسد: حسن (بن علی) گفته است:

^{۲۳} بحار الأنوار ؛ ج ۵۲ ؛ ص ۲۶۳ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِذَا عَمِلَتْ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا هِيَ قَالَ إِذَا كَانَتِ الْمَغَانِمُ دُولًا وَ الْأَمَانَةُ مَغْنَمًا وَ الزَّكَاةُ مَغْرَمًا وَ أَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ عَقَّ أُمَّهُ وَ بَرَّ صَدِيقَهُ وَ جَفَا أَبَاهُ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَاهُمْ وَ الْقَوْمُ أَكْرَمَهُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ ارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ وَ لَبَسُوا الْخَرِيرَ وَ اتَّخَذُوا الْقَيْنَاتِ وَ ضَرَبُوا بِالْمَعَارِفِ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلَهَا فَلْيُرْتَقَبْ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةُ الرِّيحِ الْحُمْرَاءِ أَوْ الْخَسْفِ أَوْ الْمَسْخِ».

بحار الأنوار ؛ ج ۶ ؛ ص ۳۰۴

«وَقَعَ السَّيْفُ وَقَعَ السَّيْفُ، فَكَمَ مِنْ عَيْنِ بَاكِئَةٍ وَ كَمَ مِنْ حُرْمَةٍ مُسْتَحَلَّةٍ وَ كَمَ مِنْ غَمٍّ نَازِلٍ، ثُمَّ قَالَ: هَلَكَ الضَّعِيفُ هَلَكَ الضَّعِيفُ، ثُمَّ قَالَ: تَجِيئُكُمْ رِيحٌ صَفْرَاءُ مِنْ قِبَلِ الْقِبْلَةِ، فَتَدُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لَيَلَتَيْنِ حَتَّى يَصِيرَ اللَّيْلُ مِنْ شِدَّةِ الصُّفْرَةِ مِثْلَ النَّهَارِ الْمَضِيِّ، وَ بَعْدَهُ يَكُونُ غَرَقُ الْبَصْرَةِ، ثُمَّ تَوَفَّعُوا آيَاتِ مُتَوَالِيَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ مَنْظُومَاتٍ كَنْظِمِ الْخَرَزِ، فَأَوَّلُ الْآيَاتِ: الصَّوَاعِقُ، ثُمَّ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، ثُمَّ رِيحٌ دَائِمٌ وَ صَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ يَمُوتُ فِيهِ خَلْقٌ، وَ يَكُونُ بِوَاسِطَةِ هَلَاكٍ كَثِيرٍ، وَ تَكُونُ بِالْكُوفَةِ عَجَائِبُ، وَ بِالْأَهْوَازِ زَلَزِلٌ، فَتَكُونُ بَيُوتُهُمْ قُبُورَهُمْ، ثُمَّ تَنْقَطِعُ السَّبِيلُ، فَلَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِنْ مَدِينَةٍ إِلَى مَدِينَةٍ».

(شمشیر کشیده می شود شمشیر کشیده می شود، چقدر چشمهای گریان که دیده خواهد شد. چقدر حرام که حلال می شود چقدر غم و اندوه که پیدا خواهد شد، آنگاه گفت: ضعیف هلاک می شود ضعیف هلاک می شود. بعد از آن گوید: باد زردی از طرف قبله برای شما میوزد که سه روز و دو شب ادامه خواهد داشت بطوری که شب از شدت زردی چون روز روشن خواهد شد، سپس بصره غرق می شود بعد از آن در انتظار علائمی پی در پی از آسمان باشید که چون دانه تسبیح و مهره ای که نخ آن پاره شود فرو خواهد ریخت، اول آن علائم صاعقه است بعد از آن باد زردی سپس باد دائمی و صوتی از آسمان که بواسطه آن خلقی خواهند مرد، در شهر واسط (شهری است در عراق) هلاکت زیادی خواهد شد و در کوفه عجایی و در اهواز زلزله هایی اتفاق می افتد که خانه های آنها قبرستان می شود آنگاه راههای مسدود میشوند و احدی از شهری بشهری خارج نخواهد شد).^{۲۴}

ح. ۳. سید بن طاووس از قول کتاب سلیلی می نویسد، ابن عباس در مورد خرابی زوراء چنین گفته است: «تَهْبِيجُ رِيحٍ حَمْرَاءَ بِالزُّورَاءِ يُنْكِرُهَا النَّاسُ، فَيَفْزَعُونَ إِلَى عُلَمَائِهِمْ، فَيَجِدُونَهُمْ قَدْ مُسِيخُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ تَسُوذُ وَجُوهَهُمْ وَ تَزْرُقُ أَعْيُنُهُمْ».

(باد قرمزی در زوراء خواهد وزید که تا آن موقع آن را ندیده اند پس بعلمای خود پناه می برند و میبینند که آنها همه از شکل آدمیت بشکل میمون و خوک در آمده اند و صورتهایشان سیا و چشمانشان کبود شده است).^{۲۵}

^{۲۴} التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص ۲۵۳ - ۳۷۲ - يَقُولُ فِيهِ: ثُمَّ قَالَ الْحَسَنُ: ... اِحْتِمَالًا حَسَنَ مَذْكُورٍ فِي حَدِيثِ شِمَارَةَ ۳۷۲ هِجْرِي هَافِي حَسَنَ مَذْكُورٍ فِي رَوَايَةِ شِمَارَةَ ۳۷۱ هِجْرِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ:

^{۲۵} التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص ۲۸۳ الباب ۷۳ ح ۴۱۰

در حدیثی از مسلم بن خالد از امام صادق (ع) آمده است: «وَ أَهْلُ مَدِينَةٍ تُدْعَى سَجِسْتَانُ هُمْ لَنَا أَهْلُ عِدَاوَةٍ وَ نَصَبٍ وَ هُمْ شَرُّ الْخَلْقِ وَ الْخَلِيقَةِ عَلَيْهِمُ مِنَ الْعَذَابِ مَا عَلَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ وَ أَهْلُ مَدِينَةٍ تُدْعَى الرِّىَّ هُمْ أَغْدَاءُ اللَّهِ وَ أَغْدَاءُ رَسُولِهِ وَ أَغْدَاءُ أَهْلِ بَيْتِهِ يَرَوْنَ حَرْبَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص جِهَادًا وَ مَا لَهُمْ مَغْنَمًا وَ لَهُمْ عَذَابُ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ»؛ (و مردم شهری که سیستانش نامند آنان دشمن ما هستند و دشمن آشکار و آنان بدترین خلق اند، و عذابی که برای فرعون و هامان و قارون آماده است بر ایشان باد. و مردم شهری که ری گویندشان آنان دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا و دشمنان خاندان رسولند که جنگ با خاندان پیغمبر را جهاد میدانند و

مالشان را غنیمت جنگی می‌شمارند، و برای آنهاست عذاب الْخِزْي (خوار کننده) در زندگی دنیا و آخرت و برای آنهاست عذاب مُقِيم (پایدار)). بحار الأنوار؛ ج ۵؛ ص ۲۷۸

در روایت فوق در مورد عذاب اهالی سیستان اشاره شده است به عذاب (فرعون، هامان و قارون) عذاب فرعون و هامان همان خشک سالی و ریزش بارانهای شدید سیل آسا در مقاطعی از سال است که سبب خراب محصول و خانه ها میشود. خداوند متعال در آیه ۱۳۰ سوره اعراف مفرماید: ﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسَّيْنِ وَ نَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ﴾، واما عذاب قارون فرو رفتن در زمین و خاک بود، خداوند در آیه ۸۱ سوره قصص میفرماید: ﴿فَحَسَنَّا بِهِ وَ بِدَارِهِ الْأَرْضِ﴾، که مثال آن برای اهل سیستان همان طوفان خاک و ریز گرد است.

در روایت مسلم بن خالد در مورد بعضی از اهالی شهر ری گفته شده است: «يَرَوْنَ حَرْبَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص جِهَاداً» این عبارت نشان دهنده تبعیت کُور بعضی از اهالی ری است از بزرگان و علمایشان، که بواسطه تکذیب و صدور فتوای جهاد علیه او اهل ری جنگیدن با او را جهاد فی سبیل الله فرض میکنند، همچنین در روایت گفته شده است: «وَمَا لَهُمْ مَغْنَمًا» یعنی اموالی که خداوند در اختیار اهل بیت قرار داده است از جمله صدقات و زکات و خمس و غیره، را بخود نسبت میدهند که این عمل قانداً بدون همکاری علماء دینی امکان پذیر نیست، و در مورد عذاب اهل ری چنین بیان شده است: «وَلَهُمْ عَذَابُ الْخِزْيِ»، «وَلَهُمْ عَذَابُ مُقِيمٍ»

۱- (عَذَابُ الْخِزْي) در قرآن کریم دوبار مورد استفاده قرار گرفته است؛ بار در مورد قوم یونس بود، که از آنها برداشته شد بواسطه توبه، و دیگری عذاب خزی است که بر قوم عاد فرود آمد، در قرآن آمده است قوم عاد مدتی در ناز و نعمت به سر می بردند، ولی مست غرور و غفلت شدند و از قدرتشان برای ظلم و ستم و استعمار و استثمار دیگران استفاده کردند، آئین بت پرستی را بر پا نمودند و به هنگام دعوت پیامبرشان هود با آن همه تلاش و کوششی که در پند و اندرز و روشن ساختن اندیشه و افکار آنان و اتمام حجت نسبت به ایشان داشت نه تنها کمترین توجهی نکردند بلکه به خاموش کردن ندای او برخاستند. گاهی او را به جنون و سفاهت نسبت دادند و زمانی وی را از خشم خدایان ترسانند، اما او همچون کوه در مقابل خشم این قوم مغرور و زورمند ایستادگی کرد، و سر انجام توانست گروهی در حدود چهار هزار نفر را پاکسازی کرده و به آئین حق بخواند، اما دیگران بر لجاجت و عناد خود باقی ماندند. سرانجام طوفان شدید و بسیار کوبنده ای به مدت هفت شب و هشت روز بر آنها مسلط شد که قصرهایشان را در هم کوبید، و اجسادشان را همچون برگهای پائیزی بر امواج باد سوار کرد و به اطراف پراکنده ساخت. هود مؤمنان راستین را پیش تر از میان آنان بیرون برد و نجات داد، و زندگانی و سر نوشتشان درس عبرتی برای همه جباران و خود کامگان گشت.

خداوند متعال میفرماید: ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَدِيقَهُمْ عَذَابُ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ عَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَ هُمْ لَا يُنصَرُونَ﴾؛ (سرانجام تندبادی سخت و سرد در روزهایی شوم بر آنان فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب خواری را به آنان بچسانیم، و بی تردید عذاب آخرت رسوا کننده تر است و آنان [در آن روز] یاری نخواهند شد).

فصلت ۱۶

همچنین، ابو بصیر گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فرمایش خدای عز و جل که می فرماید: ﴿عَذَابُ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ عَذَابُ الْآخِرَةِ﴾ عذاب خواری آور در دنیا چیست؟ پس فرمود: ای ابا بصیر کدام ننگی رسوا کننده تر از این است که مرد در خانه و در اطاق خود و در کنار برادران و در میان اهل و عیال خود باشد ناگاه خانواده اش گریبانها بر او چاک زنند و فریاد بر آورند، و مردم بگویند: این چیست؟ گفته شود: فلانی هم اکنون مسخ شد، عرض کردم: قبل از قیام قائم (ع) است یا پس از آن؟ فرمود: نه بلکه قبل از آن». غیبت نعمانی؛ ص ۳۷۸

ح. ۴. عمرو بن سعد [بن معاذ اُشهلّی] گوید: امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود:

«لَا تَقُومُ الْقِيَامَةُ حَتَّى تُفَقَّ عَيْنُ الدُّنْيَا وَ تَظْهَرَ الْخُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ وَ تَلْكَ دُمُوعُ حَمَلَةِ الْعَرْشِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَظْهَرَ فِيهِمْ عِصَابُهُ لَا خَلَقَ لَهُمْ يَدْعُونَ لَوْلَدِي وَ هُمْ بِرَاءٍ مِنْ وَلَدِي».

(قیامت بر پا نخواهد شد تا اینکه چشم دنیا از کاسه بیرون آید و سرخی در آسمان پدیدار شود و آن ناشی از اشکهای حاملان عرش است که بر اهل زمین می‌ریزد تا جماعتی که بهره‌چندانی از دین ندارند، در میان مردم پیدا شوند و برای فرزندانم دعوت کنند در صورتی که خودشان از فرزندانم بیزارند).^{۲۶}

ح. ۵. منذر جوزی از امام صادق (ع) روایت کرده که می‌فرمود:

«يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنِ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةٌ تُجَلَّلُ السَّمَاءُ وَ حَسْفٌ بِبَغْدَادَ وَ حَسْفٌ بِلَدِّ الْبَصْرَةِ وَ دِمَاءٌ تُسْفَكُ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ فَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولٌ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ».

(بازداشته می‌شوند مردم قبل از قیام قائم (ع) از گناهان‌شان بوسیله آتشی که در آسمان ظاهر می‌شود و سرخی که آسمان را می‌پوشاند، و (همچنین بوسیله) فرو رفتن زمین در بغداد، و فرو رفتن زمین در بصره و خون‌هایی که در بصره ریخته می‌شود، و خرابی خانه‌های آن شهر، و نابودی که در بین مردم آنجا پدید می‌آید، و ترسی که اهل عراق را فرا می‌گیرد بطوری که آرامشی برای آنها باقی نخواهد ماند).^{۲۷}

درمورد حادثه عجیب قرمز شدن رنگ آسمان، به نکاتی اشاره می‌کنم؛ درروایات سرخ شدن آسمان نشانه گناه، کشته شدن حجت خدا و غصب شدن حقش، غضب پروردگار، و عذاب الهی است. امام باقر (ع) درمورد حضرت یحیی بن زکریا و حسین بن علی (علیهما السلام) فرمودند: «كَانَ قَاتِلُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَلَدَ زَيْنًا وَ قَاتِلُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ وَلَدَ زَيْنًا وَ لَمْ تَحْمَرَّ السَّمَاءُ إِلَّا لَهُمَا»؛ (قاتل یحیی بن زکریا و حسین بنعلی هر دو ولد الزنا

۲- (عَذَابٌ مُقِيمٌ) در قرآن بسیار مورد استفاده قرار گرفته و از آن بعنوان سختی ها و فتنه های پایدار و طولانی مدت یاد شده است، امیرالمومنین (ع) در رابطه با شهر ری در آخرالزمان فرمودند:

«وَأَمَّا الرَّيُّ فَإِنَّهَا مَدِينَةٌ أَفْتَنَتْ بِأَهْلِهَا، وَبِهَا الْفِتْنَةُ الصَّمَاءُ مُقِيمَةٌ، وَلَا يَكُونُ خَرَابُهَا إِلَّا عَلَى يَدِ الدَّيْلَمِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، وَيُقْتَلَنَّ بِالرَّيِّ عَلَى بَابِ الْجَبَلِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلْقٌ كَثِيرٌ لَا يُحْصِيهِمْ إِلَّا مَنْ خَلَقَهُمْ، وَكَيْصِبَنَّ عَلَى بَابِ الْجَبَلِ ثَمَانِيَةً مِنْ كُبَرَاءِ بَنِي هَاشِمٍ كُلٌّ يَدْعَى الْخِلَافَةَ، وَكَيْحَاصِرَنَّ بِالرَّيِّ رَجُلٌ عَظِيمُ اسْمُهُ عَلَى اسْمِ نَبِيٍّ، فَيَبْقَى فِي الْحِصَارِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يُؤْخَذُ بَعْدَ ذَلِكَ فَيُقْتَلُ، وَكَيْصِيبَنَّ أَهْلَ الرَّيِّ فِي وَلَايَةِ السُّفْيَانِيِّ فَحُطُّ وَجْهٌ وَبَلَاءٌ عَظِيمٌ»؛ (و اما ری آن شهری است که بوسیله اهالی‌ش مورد فتنه قرار می‌گیرد، و در آن (شهر) فتنه ای که گوش شنوا ندارد خفته و پایدار است، ویرانی این شهر (ری) در آخرالزمان جز به دست دَیْلَم نیست، و در ری بردروازه کوه در آخرالزمان مردمان بسیاری که شمارشان را جز آفریدگارشان کسی نداند کشته می شوند، (دَیْلَمیان) بر دروازه کوه، بر هشت تن از بزرگان بنی هاشم که هر کدام مدّعی رهبری هستند دست می یابند، مردی بزرگ که نامش مطابق نام پیامبری است در ری محاصره شده و چهل روز در این حالت می ماند، سپس دستگیر و کشته می شود، بتحقیق که در دوران ولایت سفیانی به اهل ری

قحطی و مشقت بسیار و بلائی بزرگ وارد خواهد شد). الفتوح: ج ۲ ص ۷۸- ۸۱

^{۲۶} الغیة للنعمانی ؛ النص ؛ ص ۱۴۷ ح ۵ باب ۱۰

^{۲۷} الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ؛ ج ۲ ؛ ص ۳۷۸

بودند و آسمان برنگ سرخ در نیامد مگر برای آن دو (بعد از کشته شدن شان)، از کعب الاحبار نیز نقل شده که گفته است سرخ رنگ شدن آسمان نشانه کشته شدن حجت خدا بروی زمین است: **«إِنَّمَا فَتِحَ الْفَسَادُ بِقَتْلِ هَابِيلَ بْنِ آدَمَ وَ خُتِمَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ع أَوْ لَا تَعْلَمُونَ أَنَّهُ يُفْتَحُ يَوْمَ قَتْلِ أَنْبَاءِ السَّمَاوَاتِ وَ يُؤْذَنُ السَّمَاءُ بِالْبُكَاءِ فَتَبْكِي دُمًّا فَإِذَا رَأَيْتُمُ الْحُمْرَةَ فِي السَّمَاءِ قَدْ ارْتَفَعَتْ فَاعْلَمُوا أَنَّ السَّمَاءَ تَبْكِي حُسَيْنًا»**؛ (فساد با قتل هابیل فرزند آدم شروع و با (به اوج خود رسید در) قتل حسین (ع) ختم شد. آیا نمی‌دانید که در روز قتل حسین (ع) درهای آسمان‌ها گشوده می‌شود و به آسمان اجازه داده می‌شود که بگرید، پس هرگاه سرخی در آسمان پدیدار شد، بدانید که آن برای حسین (ع) گریه می‌کند).^{۲۸}

سرخی آسمان در آخرالزمان لزوماً بمعنی کشته شدن جسمانی حجت خدا در دوران ظهور نیست، بلکه پایمال کردن حق امام مهدی (ع) نیز خود نوعی گناه و کشتن ایشان بحساب می‌آید، از طرفی دیگر در روایات ذکر شده قبل از امام زمان (ع) رسول ایشان، مهدی اول یمانی موعود (ع) ظهور می‌کند و دعوت خود را بحق و صراط مستقیم آغاز می‌نماید،^{۲۹} لذا با آشکار شدن سرخی آسمان در آخرالزمان خواهیم فهمید

^{۲۸} روایت اول: الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد؛ ج ۲؛ ص ۱۳۲. روایت دوم: بحار الأنوار؛ ج ۴۵؛ ص ۳۱۵

^{۲۹} رسول خدا (ص) در همان شبی که رحلت ایشان واقع شد، به علی (ع) فرمود: ای ابا الحسن کاغد و دواتی بیاور. رسول اکرم (ص) وصیت خود را املاء کرد و علی (ع) می‌نوشت، تا بدین جا رسید که فرمود: **«يَا عَلِيُّ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَوَّلُ الْإِثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا. (وَسَاقِ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ): وَ لَيْسَ لَهَا الْحَسَنُ إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، (فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ)، فَلَيْسَ لَهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلُ الْمَهْدِيِّينَ، لَهُ ثَلَاثَةُ أَسْمَاءٍ: اسْمٌ كَاسْمِي، وَ اسْمٌ أَبِي، وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِي، وَ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ»**؛ (یا علی! بعد از من دوازده امام می‌باشند و بعد از ایشان دوازده مهدی. پس تو یا علی اولین دوازده امام می‌باشی. و حدیث به درازا کشید تا این که فرمود: و چون وفات حسن عسکری برسد آن (خلافت) را به فرزندش (ح م د) که مستحفظ شریعت و از جمله آل محمد است تسلیم کند، و ایشان دوازده امام‌اند. سپس بعد از ایشان دوازده مهدی خواهند بود. (پس وقتی که او را اجل دریافت)، امر (خلافت) را به فرزندش که اولین مهدیین است بسپارد، برای او سه نام است، یک نامش مانند نام من، و نام دیگرش نام پدر من است و آن‌ها عبدالله و احمد، و نام سوم او مهدی است، و او اولین مؤمنان است). الغیبه للطوسی ص ۱۵۰ و بحار الأنوار؛ ج ۵۳؛ ص ۱۴۸.

اولین مؤمنان در زمان ظهور، همان احمد، فرزند محمد بن الحسن العسکری (علیهما السلام)، است. که ائمه (ع) توصیفش کرده‌اند، و محل سکونت و ویژگی‌های فردیش را برشمرده‌اند، و گفته‌اند که او همان یمانی موعود، فرستاده‌ای از جانب امام مهدی (ع) است. آن چنان که امام باقر (ع)، می‌فرماید: **«وَلَيْسَ فِي الرَّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِي، هِيَ رَايَةُ هُدًى؛ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ. فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِي حُرِّمَ بَيْعُ السَّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ، وَ إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِي فَأَنْهَضَ إِلَيْهِ، فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةُ هُدًى، وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِي عَلَيْهِ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ؛ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ»**؛ (و در پرچم‌ها پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی نیست، و آن پرچم هدایت است؛ چون که شما را به صاحبان دعوت می‌کند. و اگر یمانی خروج کرد فروختن اسلحه حرام می‌شود، و اگر یمانی خروج کرد بپا خیز به سوی او، که همانا پرچمش پرچم هدایت است، و جایز نیست مسلمانان از او سرپیچی کنند، و اگر کسی این کار را انجام دهد از اهل جهنم می‌شود؛ زیرا که او به حق و به راه راست دعوت می‌کند). الغیبه للنعمانی؛ النص؛ ص ۲۵۶.

که رسول امام مهدی(ع) ظهور نموده و بعثت پایمال شدن حق ایشان است که آسمان به سرخی گرایده، این واقعه در آن زمان خود نشانه و هشدار است به مردم بجهت تکذیب ایشان و غضب پروردگار عالم، همان گونه که امام صادق(ع) فرمودند: (بازداشته می شوند مردم قبل از قیام قائم(ع) از گناهانشان بوسیله آتشی که در آسمان ظاهر می شود و سرخی که آسمان را می پوشاند، ... و ترسی که اهل عراق را فرا می گیرد بطوری که آرامشی برای آنها باقی نخواهد ماند). از آنجا که این علامت بطور ویژه برای اهل عراق ذکر شده است، خواهیم فهمید که رسول امام مهدی(ع) در عراق ظهور می کند و مردم آنجا با او بمخالفت برمی خیزند و حقش را غضب می کنند؛ لذا خداوند متعال بر این عمل آنها خشمگین می شود و مردم بویژه اهل عراق را با نشانه های عذاب خود می ترساند شاید که هدایت شده و بازگردند.

از اینرو می توان گفت ظهور سرخی در آسمان علاوه براینکه یک امر مادی است، نشانه هایی هم در خود نهفته دارد که آن ظهور رسول امام مهدی(ع) و غضب خلافت او بوسیله بزرگان دینی و سیاسی حاکم بر جامعه است، و همچنین نشانه ای است برای ما از احتمال وقوع عذاب در صورتی که این روند ادامه داشته باشد، و مردم و برگان شان بر فسق و تمردشان نسبت به او بیفزایند.^{۳۰}

^{۳۰} شیخ ناظم العقیلی در جلد ششم کتاب جواب المنیر، سؤال ۵۲۰: در جواب نوره سوئیفی از کانادا با این مضمون: (آیا فقط اهل عراق مستحق عذاب الهی هستند؟؟) می نویسد: خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾. اما عراق، همانا امام مهدی (ع) وصی و فرستاده خود را به سوی اهلش فرستاد اما او را تکذیب و مورد تمسخر قرار داده و متواری ساختند بلکه به قتلش فرمان دادند و حسینه هایش را ویران کردند و انصارش را به قتل رساندند و پیکر پاکشان را به بدترین شکل ممکن، مثله کردند و برخی از آنان از خانواده و کاشانه اش دور شد و برخی در زندان ها توسط منافقینی که در ظلم و نخوت روی صدام ملعون را سفید کردند، به بدترین شکل مجازات می شدند و شما اکنون می بینی که همه ی مردم عراق از فعل قبیح حکومت زورا، با انصار امام مهدی (ع) به وجد و شادمانی آمدند بلکه موفقیتشان در قتل و کشتار انصار امام مهدی (ع) را به یکدیگر تبریک می گفتند. آیا این امر برای آغاز عذاب الهی، بر اهل عراق کافی نیست؟! مردمی که هرگز پیامبر و امامی را یاری ندادند بلکه قبرهای اولیاء در عراق فرونی یافت؛ زیرا هرگاه امامی به سویشان می آید او را خوار کرده و می کشتند... الخ. و اما دیگر کشورها، شما بی شک شاهد بلاهای طبیعی و بیماری ها و فقر اقتصادی و درگیری ها و هرج و مرج در آنها هستی... و عذابی که در پیش است بی شک بزرگ تر و مهلک تر است و این همان مقدمه عذاب بوده و لاغیر و تاکنون عذاب بزرگ بر عراق نازل نشده بلکه این عذاب کوچک تر است که گرفتارش هستند، همان طور که خداوند می فرماید: ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾؛ (و از عذاب کوچک غیر عذاب بزرگ به آنان می چشانیم تا شاید به خود رجوع کنند). از غضب الهی به ساحت او پناه می بریم و از خداوند می خواهیم از گناهان و تقصیرمان بگذرد و خداوند شما را به هر خیری توفیق دهد و التماس دعا.

در جلد اول همان کتاب، سؤال ۵۱: سید احمد الحسن (ع) وصی و فرستاده امام مهدی (ع) می فرمایند:

«يُسُ الْقَوْمَ كَتَمْتُ لِي يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ اتَّبِعْتُمْ كِبْرَاءَ كَمِ الَّذِينَ اتَّبَعُوا أَمْرِيكَ وَهَادَنُوهَا وَأَقْرُوا دِمَقْرَاطِيَّتَهَا وَرَضِيْتُمْ أَحْيَرًا بِسَقِيْفَةِ الظَّالِمِينَ وَأَعْطَيْتُمُ الْعَذْرَ لِمَنْ نَحْيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ (ع) وَانْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابَكُمْ كَافِرِينَ بِتَنْصِيبِ اللَّهِ وَحَاكِمِيَّتِهِ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى، وَحَارَبْتُمْ هَذِهِ الدَّعْوَةَ الْحَقَّةَ طَلَبًا لِلدُّنْيَا الْعَفْنَةَ، اتَّبَعْتُمْ مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَدُنْيَاهُ إِلَّا خُسَارًا كَمَا اتَّبَعَ أَهْلَ مَكَّةَ أَبَا سَفْيَانَ وَحَارَبُوا جَدِي رَسُولَ اللَّهِ مُحَمَّدَ (ص) وَمَا تَنْقَمُونَ مِنِّي وَأَنَا أَدْعُوكُمْ

۳- ارتباط بارش های شدید با گرم شدن زمین

بررسی داده‌های دریافتی از ۸۰۰۰ ایستگاه هواشناسی در سراسر جهان نشان داده که شدت گرفتن بارش‌ها با افزایش دمای جهان در ارتباط است، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان اتفاق بارش‌های شدید روبه افزایش است و در ازای هر یک درجه که به دمای زمین اضافه می‌شود هفت درصد هم بر شدت بارش‌ها افزوده می‌شود. به این ترتیب با فرض افزایش دمای متوسط جهانی به میزان ۳ تا ۵ درجه سانتیگراد تا پایان قرن ۲۱، می‌توان انتظار بارش‌های بسیار شدیدی را داشت. با ادامه روند بارندگی‌های شدید هم انتظار وقوع سیل‌های بیشتری می‌رود. بیشترین افزایش در بارندگی‌های شدید هم در کشورهای گرم‌سیری رخ می‌دهد و از آن جایی که مردم این کشورها بسیار فقیرند و آمادگی مواجهه با این بلایا را ندارند با تهدیدی ویرانگر روبرو هستند.

لکتاب الله ولولی الله الأعظم الإمام المهدی (ع) ولنبد الباطل وأهله ، ما خرجت إلا لطلب الإصلاح فی أمة جدى رسول الله (ص) وبأمر أبی الإمام المهدی (ع) كما خرج جدی الحسین (ع) فَإِنْ اتَّبَعْتُمْ أَئِمَّةَ الضَّلَالَةِ فَقَدِمْأَ فَعَلْ آبَائِكُمْ وَاتَّبِعُوا فَقَهَاءَ الضَّلَالَةِ شَبَثْ بَن رُبْعِي وَشَمْرُ بَن ذِي الْجَوْشَن وَشَرِيحَ الْقَاضِي وَأَعَانُوا ابْنَ زِيَادَ وَیَزِيدَ (لَعَنَهُمُ اللَّهُ) عَلَى قَتْلِ الْحُسَيْنِ بَن عَلِيٍّ (ع) وَانْ لَفِي الْعَيْنِ قَذَى وَفِي الْحَلْقِ شَجَى وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَى مَنقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثُمَّ اسْخَرُوا وَاضْحَكُوا كَثِيرًا فَلَا تَخْطِئُونَ سَنَةَ أَسْلَافِكُمْ وَتَسْتَحْلِبُونَهَا دِمَا عَيْيَطَا وَسَيَلْعَنُكُمُ التَّالُونَ كَمَا يَلْعَنُ الْيَوْمُ مَنْ حَارَبَ مُحَمَّدًا (ص) وَاسْخَرَ مِنْهُ وَتَسْتَعْلَمُونَ مِنَ الرَّابِحِ غَدَا عِنْدَمَا لَا يَنْفَعُكُمُ الْعِلْمُ شَيْئًا».

(چه بد قومی هستید ای اهل عراق شما از بزرگانان که از آمریکا پیروی می‌کنند تبعیت می‌کنید و دموکراسی آمریکا را تایید می‌کنید و به حکومت ظالمان راضی شدید و عذر کسانی که امیرالمؤمنین علیه السلام را از مقامش کنار زدند را موجه دانستید و از همان راهی که آمده بودید برگشتید و به حکومت خداوند کافر شدید. با این دعوت حق بخاطر مادیات و این دنیای چرک‌آلود جنگیدید از کسی پیروی کردید که مال و دنیای او جز ضرر چیزی نداشت همانطوری که اهل مکه از ابوسفیان پیروی کردند و با جدم رسول الله (ص) جنگیدند. برای چه با من دشمنی می‌کنید در حالی که من شما را به کتاب خدا و ولی خدا حضرت مهدی علیه السلام و رد باطل و اهل باطل دعوت می‌کنم، من برای اصلاح امت جدم رسول الله و بفرمان پدرم امام مهدی علیه السلام آمده‌ام همانطوری که حسین علیه السلام قیام کرد. پس اگر از رهبران گمراه تبعیت کنید این همان کاری است که پدران شما انجام دادند و از گمراهانی مثل شَبَثْ بَن رُبْعِي، شَمْرُ بَن ذِي الْجَوْشَن، و شَرِيحَ الْقَاضِي پیروی کردند و به ابن زیاد و یزید (که لعنت خداوند بر آنان باد) برای کشتن امام حسین علیه السلام کمک کردند و بدرستی که اشک در چشم و بغض در گلو است. انا لله وانا اليه راجعون. (و آنان که ظلم و ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه کیفرگاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می‌کنند) وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. ... پس شما مسخره کنید و بسیار بخندید، سنت گذشتگان خود را زیر پا نگذارید؟! و به زودی ثمره آنرا خون‌های جاری برداشت خواهید کرد، و آیندگان به شما لعنت خواهند فرستاد، همانطوری که امروز کسانی که با حضرت محمد (ص) جنگیدند و او را مسخره کردند مورد لعنت قرار می‌گیرند و فردا خواهید فهمید که چه کسی

سود برده است زمانی که علمتان سودی برای شما نخواهد داشت). الجواب المنير عبر الأئمة (الجزء الأول) جمادى الأول / ۱۴۲۶ هـ ق سوال / ۵۱

از جمله تأثیرات تغییر اقلیم در عصر ظهور، نزول باران‌های شدید و پی‌درپی، بعد از چندین سال خشکسالی، بویژه در منطقه ظهور است. یک باور غلط و غیر علمی اینست که چون خشکسالی وجود دارد دیگر بارش شدید و سیل نخواهد آمد. اتفاقاً احتمال وقوع سیل به هنگام بارش شدید و حجیم در زمانی که خاک خشک است بیشتر خواهد بود. خشکسالی یعنی افت بارش یا رطوبت خاک یا موجودی آب ذخیره شده در یک بازه زمانی معین نسبت به میانگین زمانی معین. بنابراین می‌توانیم سیل داشته باشیم اما خشکسالی نیز وجود داشته باشد. از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمودند: «لَيْسَتْ السَّنَةُ بِأَنْ لَا تُمْطَرُوا، وَلَكِنْ السَّنَةُ أَنْ تُمْطَرُوا وَتُمْطَرُوا، وَلَا تُثَبِّتِ الْأَرْضُ شَيْئًا»؛ (خشکسالی آن نیست که باران باریده نشود، بلکه خشکسالی آن است که باریده و باریده شوید و زمین چیزی نرویانند).^{۳۱}

• روایات متعددی به باران‌های شدید دوران ظهور و نزدیک به قیام قائم، اشاره کرده‌اند از جمله:

ح ۱. در کتاب بحارالانوار از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمودند:

«مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ كَثْرَةُ الْقُرَاءِ وَقِلَّةُ الْفُقَهَاءِ، وَكَثْرَةُ الْأُمَرَاءِ وَقِلَّةُ الْأَمَنَاءِ، وَكَثْرَةُ الْمَطَرِ وَقِلَّةُ النَّبَاتِ».

(از نشانه‌های ساعت (قیام قائم)، این است که قرآن خوانان بسیارند و فقیهان اندک. فرمانروایان فراوانند و مردمان امین و امانتدار اندک. باران بسیار می‌بارد، اما گیاهان اندک می‌رویند).^{۳۲}

ح ۲. در کتب اهل سنت از رسول خدا (ص) نقل شده:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُمْطَرَ النَّاسُ مَطَرًا عَامًّا، وَلَا تُثَبِّتِ الْأَرْضُ شَيْئًا».

(ساعت (قیام قائم) برپا نمی‌شود، مگر آن که بر مردم بارانی فراگیر باریده شود و زمین چیزی نرویانند).^{۳۳}

ح ۳. در کتب اهل سنت از رسول خدا (ص) نقل شده:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُمْطَرَ النَّاسُ مَطَرًا لَا يُكُنْ مِنْهُ بَيُوتُ الْمَدَرِ لَا يُكُنْ مِنْهُ إِلَّا بَيُوتُ الشَّعْرِ».

(ساعت (قیام قائم) برپا نمی‌شود، مگر آن که بر مردم بارانی بیبارد که خانه‌های گلی نگه‌دارنده آن نباشد، و جز با خانه‌های مویی از آن در امان بود (چادری)).^{۳۴}

ح ۴. در کتاب بصائر الدرجات نقل است، امام باقر(ع) به شخصی به نام سَوْرَةَ فرمود:

«إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خَيْرَ السَّحَابَيْنِ فَاخْتَارَ الذَّلُولَ وَذَخَرَ لِصَاحِبِكُمُ الصَّنْعَبُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الصَّنْعَبُ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ أَوْ بَرْقٌ فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ أَمَّا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّنْبَعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّنْبَعِ خُمْسُ عَوَامِرُ وَ اثْنَانِ خَرَابَانِ».

^{۳۱} صحیح مسلم: الحدیث: (۲۹۰۴).

^{۳۲} بحار الأنوار؛ ج ۷۴؛ ص ۱۶۳، أبواب المواعظ و الحكم، باب ۷، ح ۱۸۳.

^{۳۳} الفتن لنعیم بن حماد؛ رقم الحدیث: ۱۷۹۹. ص ۴۳۷

^{۳۴} الفتن لنعیم بن حماد؛ رقم الحدیث: ۱۷۹۹. ص ۴۳۷

(ذو القرنین مخیر گردید که یکی از دو ابر سخت و رام را برگزیند. او ابر رام برگزید و ابر سخت برای صاحبان ذخیره شد. سوره پرسید: ابر سخت چیست؟ حضرت فرمود: ابرهایی که در آن رعد و برق و آذرخش و صاعقه باشد. هرگاه ابری چنین بود، صاحب شما بر آن سوار است. بی شک او سوار بر ابر می شود و با آن به سوی آسمان بالا می رود و آسمان ها و زمین های هفت گانه را می پیماید؛ همان زمین هایی که پنج عدد آن مسکونی و دوتای دیگر ویران است).^{۳۵}

ح ۵. اَبی یَحْیٰی گوید امام صادق (ع) فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ خَيْرَ ذَا الْقَرْنَيْنِ السَّحَابَيْنِ الذَّلُولِ وَالصَّغْبِ فَاخْتَارَ الذَّلُولَ وَهُوَ مَا لَيْسَ فِيهِ بَرْقٌ وَ لَا رَعْدٌ وَ لَوْ اخْتَارَ الصَّغْبَ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ اذْخَرَهُ [اِذْخَرَهُ] لِلْقَائِمِ ع».

(خداوند، ذو القرنین را در انتخاب بین دو ابر سخت و رام مخیر کرد. او ابر رام را برگزید و آن ابری است که در آن رعد و برق وجود نداشت و اگر ابر سخت را برمی گزید، اجازه استفاده از آن را نداشت؛ زیرا خداوند، ابر سخت را برای قائم (ع) ذخیره کرده است).^{۳۶}

^{۳۵} بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص) ؛ النص ؛ ص ۴۰۹

^{۳۶} مصدر همان، بعضی از علما بی عمل اقدام بشرح دو حدیث فوق کرده اند و آن را به بشقاب پرنده و امسال آن ربط داده اند هرچند که از بیم آبروی خود در جامعه به صراحت به آن اعتراف نکرده اند، ولكن با چینش روایات در کنار هم پی میبریم که این دو روایت در مورد وضعیت بد آب و هوایی و رشد معنوی و ارتباط معصوم با دیگر عوالم در دوران ظهور سخن میگویند، نه موجودات فضایی و امثالهم. جالبست بدانید شبیه به همین روایت در مورد حضرت علی (ع) نیز وارد شده است صاحب بصائر در ابتدا باب ۱۵ این روایت را از امام باقر (ع) نقل میکند: **«إِنَّ عَلِيًّا ع مَلِكًا مَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي تَحْتِهَا فَعَرَضَتْ لَهُ السَّحَابَانِ الصَّغْبُ وَالذَّلُولُ فَاخْتَارَ الصَّغْبَ وَ كَانَ فِي الصَّغْبِ مَلِكٌ مَا تَحْتَ الْأَرْضِ وَ فِي الذَّلُولِ مَلِكٌ مَا فَوْقَ الْأَرْضِ وَ اخْتَارَ الصَّغْبَ عَلَى الذَّلُولِ فَدَارَتْ بِهِ سَبْعُ أَرْضِينَ فَوَجَدَ ثَلَاثَ خَرَابٍ وَ أَرْبَعَ عَوَامِرَ».** پس مشخص میشود که تشبیه بکار برده شده در روایت ربطی به بشقاب پرنده و سفینه های فضائی ندارد، چراکه معصوم در عین واحد که در زمین حجت است در عوالم و کرات دیگر نیز امام و حجت است.

سید احمد الحسن (ع) در کتاب عبد صالح فرمودند: **«أَنَّ كُلَّ رُوحٍ مُتَّصِلٍ بِجَسَدٍ هُوَ مُتَجَلٍّ فِي الْعَوَالِمِ السُّفْلِيَةِ أَى الَّتِي هِيَ دُونَهُ وَأَكْثَرُ ظِلْمَةٍ»؛** (هر روحی، که متصل به بدنی است در عوالم سُفلی یعنی عالم هایی که پایین تر از آن قرار دارد و از ظلمت بیشتری برخوردار است، تجلّی دارد). همچنین فرمودند: **«الْحُجَّةُ لَيْسَ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَحَسَبَ، هُوَ فِي الْعَالَمِ الْجِسْمَانِيِّ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِ الْجِسْمَانِيِّ وَالْخَلْقِ فِيهِ، وَهَكَذَا فِي بَقِيَّةِ الْعَوَالِمِ، وَالْخَلْقِ فِي الْعَالَمِ الْجِسْمَانِيِّ لَسْتُمْ أَنْتُمْ فَقَطْ»؛** (حجت، فقط حجت اهل زمین نیست؛ او در عالم جسمانی حجت بر عالم جسمانی و مخلوقات آن است و همین طور در دیگر عوالم. از سوی دیگر مخلوقات عالم جسمانی فقط شما نیستید). و همچنین فرمودند: **«الْمَسْأَلَةُ لَيْسَتْ فَقَطْ أَنْتُمْ وَمَا تَرُونَ، نَحْنُ مَكْلُفُونَ بِمَا تَرُونَ وَمَا لَا تَرُونَ»؛** (مسئله فقط به شما و آنچه که می بینید منحصر نیست بلکه ما در قبال هر چه که می بینید و آنچه که نمی بینید تکلیف داریم). و نیز در سوال ۴۵۳ جواب المنیر، در مورد موجودات فضائی، فرمودند: **«يُوجَدُ كَثِيرٌ جَدًّا مِنَ الْمَخْلُوقَاتِ فِي الْكَوَاكِبِ الْأُخْرَى، وَبَعْضُهَا يُمْكِنُ أَنْ نَرَاهَا بِأَعْيُنِنَا الْأَرْضِيَّةِ إِنْ تَوَاجَدَ بَيْنَ أَيْدِينَا، وَبَعْضُهَا لَا يُمْكِنُ رُؤْيَاهُ لِخُرُوجِهِ عَنْ مَسْتَوَى اللَّوْنِ وَالْكَثَافَةِ الَّتِي يُمْكِنُنَا إِدْرَاكَهَا بِأَعْيُنِنَا، وَبَعْضُ هَذِهِ الْمَخْلُوقَاتِ مَكْلُفُونَ وَيُبْعَثُ اللَّهُ فِيهِمْ رَسُولًا لِيُنْذِرُوهُمْ وَيُبَشِّرُوهُمْ تَمَامًا كَمَا بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا لِلْإِنْسِ وَالْجِنِّ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ»؛** (آفریده های زیادی در سیاره های دیگر وجود دارند، و بعضی از آنها را می توانیم با چشمان زمینی مشاهده

ح. در حدیثی از امام هادی (ع) از آباء خود از امیرالمؤمنین (ع)، از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده: چون در شب معراج به آسمان چهارم رسیدم نظر کردم به قبه‌ای که از لؤلؤ بود و چهار رکن و چهار در داشت که همه آنها از استبرق سبز بودند به جبرئیل گفتم: این چه قبه‌ای است که نیکوتر از آن در آسمان چهارم ندیدم؟

«فَقَالَ حَبِيبِي مُحَمَّدٌ هَذِهِ صُورَةُ مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَ شَفَاعَتَهُ لِلْقِيَامَةِ وَالْحِسَابِ يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْغَمُّ وَالْأُحْزَانُ وَالْمَكَارَةُ قَالَ فَسَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَ مَتَى يَنْتَظِرُونَ الْفَرْجَ قَالَ إِذَا ظَهَرَ الْمَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ».

(جبرئیل گفت: ای حبیب من محمد! این صورت شهری است که به آن «قم» گفته می‌شود که در آن بندگان مؤمن خدا گرد می‌آیند و منتظر محمد و امیدوار شفاعت او در قیامت و روز حساب هستند بر آنها هم و غم و اندوه و رنجها و سختی‌ها و ناراحتی‌ها وارد شود راوی گفت: از امام علی بن محمد العسکری (ع) پرسیدم: چه وقت انتظار فرج خواهند داشت؟ فرمود: هرگاه آب بر روی زمین ظاهر شود).^{۳۷}

رضا کوشاری صاحب کتاب شگفتی‌های آفرینش در کلام اهل بیت در توضیح این عبارت (هرگاه آب بر روی زمین ظاهر شود) می‌نویسد:

کنیم، البته اگر میان ما حضور پیدا کنند، و بعضی از آنها را نمی‌توان مشاهده کرد، چون رنگ و غلظتی که بتوانیم با چشمان مان ببینیم در آنان وجود ندارد، و بعضی از این آفریده‌ها مکلف هستند و خداوند در میان آنان فرستادگانی می‌فرستد تا به آنها انذار و بشارت دهد، دقیقاً مانند فرستادن فرستاده‌هایی توسط خداوند برای انسان و جن در این زمین).

اما ناصر مکارم شیرازی در کتاب، حکومت جهانی مهدی (عج)، صفحه ۱۴۸، راه پیروزی آن مصلح بزرگ: ذیل روایات ذکر شده مینویسد: (مسلماً منظور از ابر، این ابر معمولی نیست؛ زیرا ابرهای معمولی وسیله ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد؛ آنها در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند؛ بلکه اشاره به وسیله فوق العاده سریع السیری است که در آسمان به صورت توده ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد، غرشی همانند رعد، و قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد؛ و به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق العاده خود می‌شکافد؛ و همچنان به پیش می‌رود، و می‌تواند به هر نقطه ای از آسمان حرکت کند. و به این ترتیب، یک وسیله مافوق مدرن است که شبیه آن را در وسایل کنونی نداریم؛ تنها در میان بشقابهای پرنده و وسایل سریع و سرسام آور فضایی که امروز داستان‌هایی از آنها بر سر زبانهاست و نمی‌دانیم تا چه حد جنبه واقعی و علمی دارد، شاید شباهت داشته باشد؛ ولی به هر صورت بشقاب پرنده هم نیست. به هر حال، از حدیث بالا بطور اجمال می‌توان دریافت که موضوع عقب گرد صنعتی در کار نیست، بلکه بعکس سخن از پیشرفت خارق العاده ای در میان است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه‌ها صورت گیرد). انتها

^{۳۷} بحار الأنوار؛ ج ۵۷؛ ص ۲۰۷

باران‌های پیاپی و سیلاب در ایران: در کتاب اوستا زرتشتیان نیز، آمده است: (به ناگاه سیل ممالک آریایی را فرا گیرد. به ناگاه لشکر دشمن به ممالک آریایی در آید. به ناگاه ممالک آریایی در هم شکند). ئوسترآدموس، پیشگو و ستاره شناس مشهور فرانسوی نیز از بارش بارانی پیوسته در ایران خبر داده است: (باران، گرسنگی و جنگ در ایران باز نمی‌ایستند. ایامی بزرگ پادشاه را به زانو در می‌آورد. آن کارهایی که در فرانسه آغاز شده بودند، در همان جا پایان می‌یابند. نشانه

ای راز آلود برای سرنوشت کسی که در تنگناست). یشت ها، ج ۱، ص ۳۷۱. و سانتوری ۱، رباعی ۷۰.

(امام حسن عسگری(ع) فرمودند: «إِذَا ظَهَرَ الْمَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ»، یکی از نشانه های ظهور حضرت مهدی(ع) آن است که آب بر زمین بالا بیاید و این امر، سبب آن می شود که بسیاری از زمینهای جهان بزیر آب فرو می رود، و اتفاقاً در اوائل سال ۲۰۰۲ این خبر در اخبار سراسری پخش شد که بر اثر بالا آمدن دریاها کشور ایرلند در دهها سال آینده، کاملاً بزیر آب فرو خواهد رفت و دیگر کشوری بنام ایرلند در جغرافیا وجود نخواهد داشت، و تمام اینها بر اثر گرم شدن کره زمین و ذوب شدن تدریجی یخهای قطب شمال و قطب جنوب می باشد).

کامل سلیمان صاحب کتاب یوم الخلاص در توضیح همین عبارت می نویسد:

(منظور از روان شدن آب بر روی زمین، طغیان آب فرات و روان شدن آن در کوچه های کوفه است، که رنگین شدن زمین را با خون ستمگران به دنبال دارد).

اما آنچه بنظر صحیح می نماید آن است که عبارت: (هرگاه آب بر روی زمین ظاهر شود)، هر دو وجه خاص و عام را شامل می شود؛ وجه عام: به این خاطر که هرچه هوا گرم تر شود، روند ذوب یخها در قطب شتاب بیشتری خواهد گرفت. برای درک این موضوع نیازی نیست که از شبیه سازی رایانه ای استفاده شود، این موضوعی است که هر عقل سلیمی می پذیرد، باید انتظار داشت که دیر یا زود بخش اعظم یخچال های کره زمین، آب و در نهایت آبهایشان روانه اقیانوس ها شود. با افزایش درجه حرارت، صفحات یخی هم به شکل جبران ناپذیری شروع به ذوب شدن خواهند کرد. از طرف دیگر آب وقتی گرم می شود، حجم بیشتری را اشغال می کند. با وجود این اثرات کامل گرمایش در درازمدت مشخص خواهد شد؛ یعنی قرن ها یا شاید حتی بیش از آن لازم است که همه اثرات خودشان را نشان دهند. تنها در همین حد داشته باشید که اگر زمین تنها ۲ درجه سانتی گراد گرم تر شود، بسیاری از نواحی ساحلی پست و جزایر به زیر آب خواهند رفت و احتمالاً برای همیشه از صفحه گیتی محو خواهند شد. درست به همین دلیل بود که جهانیان در پاریس توافق کردند، همه تلاششان را به کار گیرند و یک قدم دیگر جلو بگذارند تا جلوی گرمایش زمین را بگیرند و آن را در حد بیش از ۱.۵ درجه سانتی گراد بالای سطوح پیش صنعتی مهار کنند.

اما وجه خاص: به این دلیل که روایات اشاره می کنند در مناطق ظهور در سال های نزدیک به قیام قائم (ع) سیل جاری می شود و آب فراوان می گردد، به گونه ای که آب فرات در کوچه های کوفه جاری می شود، و حتی ممکن است شهر بصره نیز به زیر آب فرو رود. (روایاتی در این زمینه بیان خواهد شد).^{۳۸}

^{۳۸} سید احمد الحسن(ع) فرمودند: «فیضان یماًلأ الکوفه فی سنه قیامه ع، وأن تمطر السماء أربع وعشرين مطرة تری آثارها وبرکاتها فی الأرض فی سنه قیامه ع. وأن یفسد التمر فی النخل وورد أن تفسد الثمار فی الأشجار»؛ (در سال قیام مهدی ع دو باران شدید کوفه را می گیرد، و همچنین از آسمان ۲۴ بار بارندگی میشود و آثار و برکاتش در زمین مشاهده میشود، بگونه ای که خرما بر روی نخل فاسد میشود و در بعضی از روایات آمده که میوه ها بر روی درختان فاسد میشود). آخر کتاب سرگردان ذکر علامات ظهوره و قیامه

ح ۷. شیخ طوسی در الغیبه از امام صادق (ع) روایت می کند:

«عَامٌ أَوْ سَنَةٌ الْفَتْحِ يَنْشَقُّ الْفَرَاتُ حَتَّى يَدْخُلَ أَرْفَةُ الْكُوفَةِ».

(در سال فتح فرات شکافته شود تا این که آب داخل کوچه های کوفه گردد).^{۳۹}

ح ۸. در صراط المستقیم، از ابن عباس نقل شده از امیرالمؤمنین (ع) پرسیدم: نزدیکترین حادثه که دلالت

به ظهور مهدی (ع) می کند چیست؟ در آن هنگام چشمان حضرت پُرز اشک شده، فرمودند:

«إِذَا فُتِحَ بَقْعٌ فِي الْفَرَاتِ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ أَرْفَةَ الْكُوفَةِ فَلْيَتَّهَبَا شِيعَتَنَا لِلِقَاءِ الْقَائِمِ».

(هرگاه زیادی آب شکافی در فرات ایجاد کرد، و آب به کوچه های کوفه برسد شیعیان ما آماده ملاقات قائم

شوند).^{۴۰}

ح ۹. سید بن طاووس در ملاحم از امام زین العابدین (ع) روایت می کند:

«إِذَا مَلَأَ نَجْفُكُمُ السَّيْلُ وَالْمَطَرُ، وَظَهَرَتِ النَّارُ بِالْحِجَازِ فِي الْأَخْجَارِ وَالْمَدَرِ، وَمَلَكْتَ بَغْدَادَ التَّيْرِ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ».

(آنگاه که نجفتان پر از سیل و باران شد، و آتش در سنگ ها و ریگ ها حجاز نمایان شد، و تاتار بر بغداد

مسلط شد، منتظر ظهور قائم منتظر باشید).^{۴۱}

ح ۱۰. ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل می کند:

«إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ لَسَنَّةٌ غَيْدَاقَهُ (كثيرة المطر) يَفْسُدُ (فِيهَا التَّمَارُ وَ) التَّمْرُ فِي النَّخْلِ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ».

(در پیشاپیش (قیام) قائم سال غیداقیه خواهد بود و آن سالی پرباران است که میوه ها روی درخت فاسد

می شوند، خرما در روی نخل تباه می شود، در وقوع این نشانه تردید نداشته باشید).^{۴۲}

ح ۱۱. در کتاب إرشاد شیخ مفید، عبدالکریم خثعمی گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: قائم چند سال

حکومت می کند؟ فرمود:

«سَبْعَ سِنِينَ تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِثْلَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ

سِنُو مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ، وَإِذَا آن قِيَامُ الْقَائِمِ مَطَرُ النَّاسِ جُمَادَى الْآخِرَةِ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ

رَجَبٍ مَطَرًا لَمْ تَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ، فَيَنْبُتُ اللَّهُ بِهِ لُحُومَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْدَانُهُمْ فِي قُبُورِهِمْ، وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ

مُثْبِلِينَ مِنْ قَبْلِ جَهَنَّمَ يَنْفُضُونَ شُعُورَهُمْ مِنَ التُّرَابِ».

^{۳۹} الغیبه نویسنده: الشیخ الطوسی جلد: ۱ صفحه: ۴۵۱ ح ۴۵۶

^{۴۰} الصراط المستقیم (العاملی، علی بن یونس)، جلد: ۲، صفحه: ۲۵۸. ثقی به معنی زیادی آب و سرعت جریان است، یعنی: «هرگاه

آب فرات چنان زیاد شود و طغیان کند که داخل کوچه های کوفه گردد».

^{۴۱} التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (السید بن طاووس)، جلد: ۱، صفحه: ۳۶۹.

^{۴۲} الغیبه نویسنده: الشیخ الطوسی جلد: ۱ صفحه: ۴۴۹ ح ۴۵۰

هفت سال که روزها و شبان درازی خواهد داشت تا آنجا که هر سال آن برابر ده سال شما باشد. در نتیجه سال‌های حکومت او به اندازه هفتاد سال شما خواهد بود. و آنگاه که قیام قائم نزدیک شود، در ماه جمادی‌الثانی و ده روز از ماه رجب، چنان بارانی بر سر مردم فرو ریزد که تا آن زمان مانند آن را ندیده باشند. به‌دنبال آن خداوند گوشت بدن مؤمنان را در قبرهایشان برویاند، گویا به آنها می‌نگرم در حالی که خاک را از موهای سرشان می‌تکانند از طرف جُهیّنه پیش می‌آیند.^{۴۳}

^{۴۳} لا‌رشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ ج ۲؛ ص ۳۸۱. روی عبد الکریم الخنعمی عن اُبی عبد الله (ع) قال: ...

امام صادق(ع) از نشانه‌های آفاقی سخن می‌گوید که در عصر ظهور اتفاق می‌افتند، نشانه‌های بزرگی که پیش‌تر سابقه نداشته‌اند تا بدان‌جا که هر سال در دوران حکومت‌داری قائم برابر با ده سال کنونی ما خواهد بود؛ چنانچه حضرت در این قسمت از روایت با کنایه سخن نگفته باشد، از تغیرات اقلیمی خبر می‌دهد که تصورش نیز برای ما بسیار سخت دشوار است، تغیراتی که بعضاً تا حدی وسیع هستند که قسمتی از سرزمین‌های خشک و بیابانی منطقه‌ظهور را به سرزمین‌هایی سرسبز و خرم، تبدیل می‌کنند. آن‌چنان‌که حضرت علی(ع) می‌فرماید: «وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بُنَاتَهَا، ... حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ وَلَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ»؛ (چون قائم ما قیام کند، آسمان باران ببارد و زمین گیاه برویاند، ...، به گونه‌ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و هرجا قدم گذارد، همه سرسبز و گیاه باشد).

واضح است که چنین تغیرات اقلیمی وسیعی در سطح آب و هوای منطقه و جهان به یکباره رخ نخواهد داد بلکه به آرامی و به مور زمان اتفاق می‌افتد، لذا تأثیرات آن نیز پیش از قیام قائم(ع) و در اطراف ما قابل مشاهده خواهد بود. خدای متعال می‌فرماید: «سَرَّيْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»؛ (بزودی آیات خود را در آفاق و در نفوس‌شان بنمایانیم، تا اینکه برای ایشان روشن گردد که او حق است). مطابق فرمایش خدای متعال آیات و نشانه‌ها ما را به شناخت و تبعیت از خلیفه خداوند راهنمایی می‌کنند، نشانه‌های که خود دو نوع هستند: آفاقی و انفسی. در یکی از این نشانه‌های آفاقی همان‌گونه که امام صادق(ع) فرمودند در بین ماه‌های جمادی و رجب چنان بارانی بر سر مردم (منطقه‌ظهور) فرو می‌ریزد که تا آن زمان مانند آن دیده نشده باشد. آن‌چنان‌که در روایت خواندیم: «إِذَا آنَ قِيَامُ الْقَائِمِ مُطِرَ النَّاسُ جُمَادَى الْآخِرَةِ وَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطَرًا لَمْ تَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ»؛ (زمانی که قیام قائم نزدیک شود، در ماه جمادی‌الثانی و ده روز از ماه رجب، چنان بارانی بر سر مردم فرو ریزد که تا آن زمان مانند آن را ندیده باشند).

در آن زمان این واقعه نشانه‌ای خواهد بود برای آشکار شدن حق مهدی‌اول(ع)، همچنان که نشانه‌ای خواهد بود برای یاران قائم(ع) جهت آمادگی برای جهاد و نصرت دین حق، از اینرو مومنان خفته در قبر در فرمایش امام صادق(ع) تاویل می‌شود به یاران قائم؛ آن گنج‌های پنهان که در روزگاری سخت بسر می‌برند، ولی به مرور زمان و با آشکار شدن حق مهدی‌اول، آنان نیز آشکار می‌شوند و سختی‌هایشان برطرف می‌گردد آن‌چنان‌که بتمثیل در روایت گفته شده گوشت بر تن‌هایشان می‌روید: «فَيَنْبُتُ اللَّهُ بِهِ لُحُومَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبْدَانُهُمْ فِي قُبُورِهِمْ»؛ (خداوند به‌واسطه آن بارندگی گوشت بر بدن مؤمنانی که در قبرهایشان خفته‌اند برویاند).

از سوی دیگر رویش گوشت بر تن مومنان خفته در قبر اشاره‌ای است به رجعت بمثل آنان، چرا که در ادامه روایت امام صادق(ع) می‌فرماید: «وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُقْبِلِينَ مِنْ قَبْلِ جُهَيْنَةَ يَنْفُضُونَ سُعُورَهُمْ مِنَ التُّرَابِ»؛ (گویا به آنها می‌نگرم درحالی که خاک را از موهای سرشان می‌تکانند از جانب جُهیّنه پیش می‌آیند). گویی امام(ع) با تشبیه کردن سرگذشت یاران قائم(ع) با قبیله جُهیّنه از اولین افرادی سخن می‌گوید که در شرایط سخت آخرالزمان به رسول امام مهدی(ع) ایمان

نق ۱۲. شیخ طوسی بسند مذکور در کتاب الغیبه از سعید بن جبیر نقل کرده:

«السَّنَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا الْمَهْدِيُّ تَمُطَرُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ مَطَرَةً يَرَى أَثَرَهَا وَبَرَكَتَهَا».

(در سالی که مهدی قیام می کند بیست و چهار باران (رحمت) می بارد که اثر و برکت آن در همه جا به چشم می خورد).^{۴۴}

نق ۱۳. ابن شهر آشوب در جلد هشتم مناقب درمورد علائم ظهور می نویسد:

«وَأَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ مَطَرَةً مُتَّصِلَةً فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ، فَتُخْبِئُ بِهَا الْأَرْضُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا، وَتُعَرَفُ بَرَكَاتُهَا، وَتَزُولُ بَعْدَ ذَلِكَ كُلُّ عَاهَةٍ».

(بیست و چهار بارندگی پی در پی در ماه جمادی الثانی و ده روز از رجب روی خواهد داد که باعث می شود زمین پس از مردن باری دیگر زنده شود و برکت های خود را نمایان سازد، بعد از آن تمام درد و بلاها از بین خواهد رفت).^{۴۵}

* اما در مورد هلاکت اهل بصره و غرق شدن آن در آب، روایات زیادی وارد شده است که به اختصار و بجهت ارتباط و پیوسته روایات با هم به تعدادی از آنها اشاره می کنم:

امام علی (ع) در قسمتی از سخنانش به حباب راهب از نشانه های ظهور و خروج سفیانی سخن می گوید و از جمله علائم و وقایع دوران او را هلاکت اهل بصره بر می شمارد: (خداوند مردی از اهل سفح (سفاک و بی باک و خونریزی) را بر جباران زوراء مسلط می کند، و او به هیچ شهری وارد نمی شود مگر آنکه آن را خراب می کند و مردم آن را می کشد، سپس باری دیگر بسوی آنها بر می گردد، ...، سپس وارد بصره می شود و هر خانه که بیابد ویران می سازد و ساکنین آن را به قتل می رساند و مردمش را نابود می کند، نشانه هلاکت بصره موقعی است که الْخَرْبَةُ بَصْرَه (شهرکهای اطراف بصره) آباد گردد، و مسجد جامعی در آن بنا گردد).

می آورند و دین حق را نصرت می دهند و در حمایت از او بکوفه مهاجرت می کنند؛ چرا که قبیله جُهینه نیز اولین افرادی بودند که قبل از اسلام از صحرا گذشتند و به حجاز مهاجرت کردند، و با قبایل قحطانی الاصل اوس و خزرج هم جوار شدند، سپس با ظهور رسول خدا زودتر از قبایل دیگر، بدون مقاومت به اسلام گرویدند. آنگاه از صحرا نشینی خارج شدند و با مهاجرت به مدینه رسول خدا (ص) را یاری دادند.

سرگذشت اولین یاران قائم (ع) نیز همچون قبیله جهینه در اول اسلام است، آنان در جهالت های دوران غیبت بسر می برند، تا اینکه رسول امام مهدی (ع) ظهور می کند، و با ایمان به او از سرگردانی خارج می شوند، آنان در این مسیر متحمل سختی های بسیار می شوند، تا اینکه پرچم های سیاه از جانب خراسان بحرکت در می آیند، جنبش آنان نشانه های دارد که یکی از آنها نزول باران های شدید و پی در پی ماه های جمادی و رجب در منطقه ظهور است، بعد از این رویداد است که سختی ها بر گنج های طالقان آن مومنان خفته در قبر بسر می آید و گوشت بر بدن هایشان می روید، گو اینکه بلاها و گرفتاری هایشان در آن روزگار همچون گرد و خاکی بوده است که بر موهای سرشان نشسته است و آن را می تکانند، همان گونه که امام صادق (ع) تمثیل کرده و می فرماید: «يَنْفُصُونَ شَعْوَرَهُمْ مِنَ التُّرَابِ».

^{۴۴} الغیبة نویسنده: الشیخ الطوسی جلد: ۱ صفحه: ۴۴۳

^{۴۵} التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (السید بن طاووس)، جلد: ۱، صفحه: ۳۷۰.

احتمال دارد هلاکت اهل بصره با غرق شدن آن شهر همراه باشد و غرق شدن شهر بصره دوبار روی دهد، یکبار قبل از خروج و دیگری پس از خروج قائم(ع)؛ در روایتی که اشاره به هلاکت و غرق شدن اهل بصره در آب دارد، از امیرالمومنین (ع) نقل شده که خطاب به ابن عباس فرمودند:

«وَعِنْدَ هُجُومِ الْأَعْرَابِ قُتِلَ الْخَلِيفَةُ، فَيَفْشُو الْجُورُ وَ الْفُجُورُ بَيْنَ النَّاسِ، وَ تَجِيئُكُمْ آيَاتٌ مُتَتَابِعَاتٌ كَأَنَّهُنَّ نِظَامٌ مَنْظُومَاتٌ انْقَطَعْنَ فَتَتَابَعْنَ، فَإِذَا قُتِلَ الْخَلِيفَةُ الَّذِي عَلَيْكُمْ فَتَوْفَعُوا خُرُوجَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ، وَ أَمَارَتُهُ عِنْدَ هَلَاكِ مِصْرَ، وَ عِنْدَ هَلَاكِ مِصْرَ يُخَسَفُ بِالْبَصْرَةِ حَسَفٌ بِكَلَائِهَا وَ بِأَرْجَائِهَا، وَ حَسَفَانِ آخِرَانِ بِسُوقِهَا وَ مَسْجِدِ جَامِعِهَا، ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ طُوفَانُ الْمَاءِ، فَمَنْ نَجَا مِنَ السَّيْفِ لَمْ يَنْجُ مِنَ الْمَاءِ إِلَّا مَنْ سَكَنَ ضَوَاحِيهَا وَ تَرَكَ بَاطِنَهَا».

(در زمان هجوم اعراب، خلیفه کشته می‌شود، و ظلم و فجور بین مردم فاش خواهد شد، و بیرق‌های پشت سر یک دیگر نظیر دانه‌های تسبیحی که نخ آن قطع شده باشد و دانه‌های آن متوالیاً شروع بریزش نمایند نزد شما آیند، پس موقعی که آن خلیفه که بر شما حکم میکند کشته شد انتظار خروج آلِ ابی سفیان را داشته باشید، نشانه آغار حکومت آلِ ابی سفیان (سفیانی) هلاک اهل مصر است و در موقع هلاکت اهل مصر بصره فرو میرود، و دو زلزله دیگر در بازار و مسجد بصره اتفاق می‌افتد، و بعد از آن دچار طوفان آب خواهند شد، کسی که از دم شمشیر نجات پیدا کند از طوفان نجات نخواهد یافت، مگر کسی که در اطراف بصره سکنا کند و وسط آن را ترک نماید).^{۴۶}

و شیخ عزّ الدین حلی در کتاب مختصرالبصائر در روایتی که، اشاره به غرق شدن شهر بصره بعد از قیام قائم(ع) دارد، از امیرالمومنین (ع) درخطبه‌ای معروف به المخزون نقل می‌کند:

«وَ يَسِيرُ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ بِرَأْيَةِ الْهُدَى، وَ السَّيْفِ ذُو [ذِي] الْفَقَارِ وَ الْمِخْصَرَةِ، حَتَّى يَنْزِلَ أَرْضَ الْهَجْرَةِ مَرَّتَيْنِ وَ هِيَ الْكُوفَةُ، فَيَهْدِمُ مَسْجِدَهَا وَ يَبْنِيهِ عَلَى بَنَائِهِ الْأَوَّلِ، وَ يَهْدِمُ مَا دُونَهُ مِنْ دُورِ الْجَبَابِرَةِ وَ يَسِيرُ إِلَى الْبَصْرَةِ حَتَّى يُشْرِفَ عَلَى بَحْرِهَا، وَ مَعَهُ التَّابُوتُ، وَ عَصَا مُوسَى ع، فَيَعِزُّمُ عَلَيْهِ فَيَزْفِرُ فِي الْبَصْرَةِ زَفْرَةً فَتَصِيرُ بَحْرًا لَجْنًا، لَا يَبْقَى فِيهَا غَيْرُ مَسْجِدِهَا كَجَوْجُو السَّفِينَةِ عَلَى ظَهْرِ الْمَاءِ».

(سپس صدیق اکبر با پرچم هدایت در حالی که شمشیر ذوالفقار و المِخْصَرَة با او است براه افتد، تا اینکه برای مرتبه دوم وارد کوفه شود و مسجد کوفه را خراب کند و آن را مانند بناء اول بنا کند ، و خانه های اطراف مسجد را که آن خانه های مردم ستمکار استخراب کند، و حرکت کرده میرود بطرف بصره تا اینکه به دریای بصره میرسد؛ و این در حالی است که تابوت سکینه و عصای موسی را به همراه دارد، سپس به بصره وارد شود و در آنجا صدائی وحشتناک بلند شود و ناگهان بصره را آب فرا گیرد و مانند دریا موجی شود (موج‌هایی) که در آن باقی نگذارد غیر از مسجدی آنها مانند سینه کشتی بر روی آب).^{۴۷}

^{۴۶} التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن ؛ ص ۲۵۱ الباب ۳۹ ح ۳۷۰

^{۴۷} مختصر البصائر (الحلی، الشیخ عزّ الدین) ، جلد : ۱ ، صفحہ : ۴۷۳



امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: ای ابن جارود! مردم بصره حوادث بسیار سختی در پیش خواهند داشت که یکی پس از دیگری به وقوع خواهد پیوست، یک حادثه آن این است که: برخی بر برخی مسلط شوند همدیگر را بکشند، حادثه دیگر این است که: فتنه‌ای به وجود آید که در اثر آن شهر ایشان خراب، منازلشان ویران، و اموالشان نصیب دیگران، و مردانشان کشته، و زنانشان اسیر و بی‌سروسامان و قربانی گردند، ای وای که داستان آنها چه اندازه عجیب و بهت‌آور است، **مِنْهَا أَنْ يَسْتَحِلَّ بِهَا الدَّجَالُ الْأَكْبَرُ الْأَعْوَرُ الْمَمْسُوحُ الْعَيْنُ الْيَمْنَى**، حادثه دیگر بصره فتنه دجال اکبر یک چشم است، دجالی که چشم راستش ناقص است و شکاف و حلقه‌ای ندارد و چشم دیگرش همانند پاره خون، چون دانه انگوری که بر روی آب قرار گرفته باشد برآمدگی دارد، گروهی از مردم بصره به تعداد کسانی که در «ابله» کشته شده و به فیض شهادت رسیدند از او پیروی نمایند، **أَنَاجِلُهُمْ فِي صُدُورِهِمْ يُقْتَلُ مَنْ يُقْتَلُ وَيَهْرَبُ مَنْ يَهْرَبُ**، انجیل هایشان در سینه هایشان است، کسانی را که قرار است کشته شوند میکشند و کسانی را که قرار است فرار کنند فراری دهند، **ثُمَّ رَجَفَ ثُمَّ قَذَفَ ثُمَّ خَسَفَ ثُمَّ مَسَحَ ثُمَّ الْجُوعُ الْأَغْبَرُ ثُمَّ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَهُوَ الْغَرَقُ**، سپس زمین لرزه، سپس باریدن سنگ و مانند آن (یا نزول بلا از آسمان) سپس فرو رفتن به زمین (یا خراب شدن عمارتها و ساختمانها) سپس مسخ شدن، سپس قحطی و گرسنگی شدید، و سپس مرگ سرخ خواهد بود (و مرگ سرخ) همان «غرق» است، ای مُنْذِر! بصره به جز نام فعلی اش در کتاب های اولین سه نام دیگر هم دارد که از آن کسی جز غَلَمَاء آگاهی ندارد، از جمله آن نامها: **الْخُرَيْبَةُ وَتَذْمُرُ وَ الْمُؤْتَفِكَةُ** (به معنای زیرورو شده) است. بحار الأنوار؛ ج ۳۲؛ ص ۲۵۳ باب ۴ ح ۱۹۹

همچنین امیرالمومنین (ع) در مورد نحو رفتار قائم (ع) با اهل بصره پس از خروج فرمودند: **«و ترفع لولدی النود و الرايات و یفرقها فی الأقطار و الحرمات و یأتی إلى البصرة و یخریها و یعمر الکوفة و یوربها»**؛ (برای فرزندم پرچمهای متفرقه ای از مناطق دور و نزدیک برافراشته می شود، درحالی که در مناطق مختلف در محرمات بسر می بردند، او بسوی بصره می آید و آن را خراب نماید و کوفه و اطرافش را آباد نماید). إلزام الناصب؛ ج ۲؛ ص ۱۳۳

نتیجه بحث

تغیّرات جوّی و اقلیمی همیشه بر روی زمین وجود داشته، روزگاری مناطقی که الان بیابانیست سرسبز و خرم بوده، اما این تغیّرات با پیشرفت علم و صنعتی شدن دوران ما سرعت بیشتری بخود گرفته است، نکته تأسف‌بار این است که این تغیّرات از حالت عادی و طبیعی خود خارج شده و به یک معضل زیست‌محیطی تبدیل شده است، افزایش سریع گازهای گلخانه‌ای سبب تغیّرات سریع اقلیمی شده بگونه‌ای که سالانه سرزمین‌های بیشتری بواسطه گرما بوجود آمده خشک می‌شود، و از طرفی تاثیرات این گازهای گلخانه‌ای (که مصداقی از مصادیق دخان در روایات ظهور است) باعث گرمای بیش از حد، طوفان‌های مهیب، بارانهای شدید و بی‌موقع، گردیده است.

نکته قابل تامل این که تمام اتفاقات زمانی روی می‌دهند که دیگر علائم ظهور نیز اتفاق می‌افتند، این تقارن و همبستگی علائم خود نشان دهنده فرا رسیدن عصر ظهور، و حضور وصی و فرستاده امام مهدی(ع) در بین ما است، چرا که امام زمان (عج) پیش از خود رسولی جهت زمینه‌سازی می‌فرستد که در روایات از او بعنوان مهدی‌اول و یمانی، نام برده شده است؛ ولکن با انکار بزرگان سیاسی و دینی جامعه مواجه می‌شود، در چنین شرایطی است که علائم آفاقی و انفسی برای تبیین حق او نمایان می‌شود و بجهت تادیب انواع بلایای طبیعی و غیره طبیعی بر مردم جهان، بویژه مردم منطقه‌ظهور، نازل می‌شود، و چنانچه بر فسق و تمرد خود بیفزایند بر شدت آن افزوده خواهد شد.

هرچند که تغیّرات جوی و اقلیمی دلایل طبیعی دارد؛ اما شدت و ضعف آن بسته به عواملی متغیّر است، این تغیّرات در زمان دعوت انبیاء و تکذیب رسولان افزایش می‌یابد، و چنانچه مردم ایمان آورند و نیکوکار گردند خداوند ابواب رحمت خود را با رفع موانع حتی شده با ایجاد تغیّرات بواسطه اجرام آسمانی و حرکت‌های درونی زمین فراهم می‌آورد؛ شاید بدین جهت است که روایات، وضعیت جوی و اقلیمی جهان را پیش و بعد از قیام قائم (ع) کاملاً متفاوت، بیان کرده‌اند. رسول خدا(ص) درمورد دوران پیش از قیام قائم (ع) فرمودند: «وَيَقِلُّ الْمَطَرُ، فَلَا أَرْضَ تُنْبِتُ، وَلَا سَمَاءَ تُنْزِلُ»؛ (باران کم می‌شود، پس نه از زمین چیزی بروید و نه از آسمانی چیزی فرو ریزد)، از طرفی دیگر در مورد ویژگی‌های عصر بعد از قیام قائم (ع) از آن حضرت نقل شده که فرمودند: «يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ يُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا»؛ (در زمان او امت من به نعمتهایی دست می‌یابد که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. (همه افراد چه) نیکوکار و بدکار. آسمان بر آنان پیاپی بارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد).^{۴۸}

^{۴۸} روایت اول: التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (السید بن طاووس)، جلد ۱، صفحه: ۲۶۶. روایت دوم: کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۶۷

بله اینگونه در عصر ظهور افزایش نِعَمِ الهی و کمبود باران نشانه عدم ایمان و تقوا اکثریت مردم به رسول امام مهدی (ع) است، و برعکس افزایش نِعَمِ الهی و باران نشانه ایمان و تقوا اکثریت مردم به ایشان (ع)، همان گونه که خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ﴾ * ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ * وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ (و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را [پس از تکذیب آن پیامبر] به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم؛ شاید بازگردند و تضرع کنند! * سپس [هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت]، به جای آن مصایب، رفاه و فراوانی نعمت قرار دادیم تا فزونی یافتند، و لکن گفتند: به پدران ما هم به طور طبیعی تهیدستی و سختی و رنج و بیماری رسید [و ربطی به رویارویی ما با پیامبران و خشم خدا نداشت]؛ پس چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمالشان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی فهمیدند. * و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند [به عذابی سخت] گرفتیم).^{۴۹}

• در خاتمه، روایتی پرمعنا از امیرالمومنین علی (ع) نقل می کنم، که فرمودند:

«بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَبِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ وَبِنَا يَمْخُو مَا يَشَاءُ وَبِنَا يُثَبِّتُ وَبِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَبِنَا يَنْزِلُ الْعَيْثُ فَ لَا يَعْرِتُكُمْ بِاللَّهِ الْعَرُورُ مَا أَنْزَلْتَ السَّمَاءَ قَطْرَةً مِنْ مَاءٍ مُنْذُ حَبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلْتَ السَّمَاءَ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجْتَ الْأَرْضَ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعُ وَ لَا تَخَافُهُ».

(خداوند به ما افتتاح نمود و به ما هم ختم می کند، بواسطه ما آنچه را که بخواهد ثابت گرداند و آنچه را که بخواهد محو نماید، به دست ما (حکومت ما) روزگار سختی ها و تشنه کامی ها سپری گردد، به دست ما باران نازل گردد، پس مغرور شما را بخدا فریب ندهند که پشیمان میشوید، آن زمان که خداوند نزول آب را محبوس گرداند قطره ای آب از آسمان نازل نشود، و چون قائم ما قیام نماید، آسمان (چنانکه باید) باران ببارد و زمین گیاه برویاند، و کینه از دل های بندگان زدوده شود، و میان حیوان وحشی و اهلی آشتی برقرار شود؛ به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم گذارد، همه سبزه و گیاه باشد، در حالی که بر روی سرش زنبیلی را گذارده نه حیوان وحشی (درنده خوی انسانی منظور است) به او هجوم آورد و نه از او بترسند).^{۵۰}

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

^{۴۹} قرآن کریم، سوره اعراف آیات ۹۴ تا ۹۶.

^{۵۰} بحار الأنوار؛ ج ۵۲؛ ص ۳۱۶ باب ۲۷ ح ۱۱-ل، [الخصال]

الحمد لله رب العالمین

صادق شکاری، اذی القعدہ ۱۴۳۹^{هـ}
